



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



راه‌های تکمیل نماز
ابراهیم گلپیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راه های تکمیل نماز

نویسنده:

محمد ابراهیم کفیل

ناشر چاپی:

ستاد اقامه نماز

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	راه های تکمیل نماز
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۳	مقدمه
۱۷	دو مشکل اساسی نماز ما
۱۹	چه کنیم نماز برای ما مهم باشد؟
۳۷	خواندن تسبیحات اربعه موجب استجاب دعا است
۵۴	راه های تکمیل نماز
۵۹	معنای حضور قلب
۵۹	چند تذکر
۶۰	راههای تحصیل حضور قلب
۶۶	اهمیت نماز جماعت
۶۷	چند نکته درباره نماز جماعت
۷۰	تعقیب چیست؟
۷۰	اهمیت تعقیب
۷۲	احکام تعقیبات
۷۳	نمونه ای از تعقیبات وارده
۸۱	معنای سجده شکر و فلسفه آن
۸۲	اهمیت و آثار سجده شکر
۸۵	چند نکته از احکام سجده شکر
۸۷	اهمیت نوافل
۹۰	مواعقبولی نماز
۱۰۱	کتاب نامه

راه های تکمیل نماز

مشخصات کتاب

سرشناسه : کفیل، ابراهیم، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور : راه های تکمیل نماز / محمد ابراهیم کفیل؛ کاری از مرکز تخصصی نماز.

مشخصات نشر : تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۹۸ ص. ۱۴×۲۰، س م.

شابک : ۲۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۷-۵-۰۸۱

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۹۵] - ۹۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : نماز

موضوع : نماز -- احادیث

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز

شناسه افزوده : مرکز تخصصی نماز

رده بندی کنگره : BP۱۸۶/ک ۲۷ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۲۴۹۴۵

ص: ۱

اشاره

همان گونه که در بُعد معرفت و شناخت، "اندیشه و تفکر" ویژگی ای است که موجب امتیاز انسان از حیوانات می شود، (۱) شاید بتوان گفت در بُعد "عمل" هم "اطاعت و عبادت آگاهانه و توأم با اختیار انسان" او را از حیوانات جدا می سازد. اندیشه و تفکر، عقل نظری را کامل می کند و عبادت، کمال عقل عملی را به همراه دارد، و به دنبال آن، کمال عقل نظری را؛ (۲) چراکه انسانیت او را همین عبادت آگاهانه تأمین می کند.

توضیح آن اینکه انسان در رحم مادر، از حیات "گیاهی" برخوردار است، جذب دارد و رشد. وقتی از نظر گیاهی کامل و بالغ شد، پا به مرحله "حیوانی" می گذارد، متولد می شود و رشد و نمو می نماید؛ تا اینکه از قوای حیوانی بهره مند می شود و واجد شهوت و غضب می گردد. او در این مرحله بالغ می گردد، و بدین ترتیب مکلف می شود؛ مکلف به تحصیل حیات انسانی. اگر در تکوین مراحل سابق هستی خود، دخالتی نداشت و دست تکوین او را به این حد رساند؛ ولی تحصیل مرحله یا مراحل بعدی، به عهده

ص: ۷

۱- [۱]. چراکه آنها (علی الظاهر) اندیشه و تفکر عقلانی ندارند .

۲- [۲]. خداوند در قرآن می فرماید: "أَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ" (حجر: ۹۹) بنابر تعلیلی بودن "حتی"؛ عبادت پروردگار، علت رسیدن به یقین است.

خود اوست. اوست که باید با استفاده از امکاناتی که خداوند متعال در مراحل سابق به او ارزانی داشته، کسب انسانیت کند؛ چراکه در این مرحله تقریباً (۱) حیوان بالفعل است و انسان بالقوه؛ لذا باید در صدد فعلیت بخشیدن به خود باشد تا رستگار شود و نه زیانکار. (۲) اما چگونه؟ از کدام طریق انسان باید خودش را به فعلیت برساند؟ از طریق عبادت. عبادت خداوند، صراط مستقیمی است که او را به سرمنزل مقصود می‌رساند.

در قرآن می‌خوانیم: "الْمَ أَعْهَدُ إِلَيْكُمْ ... وَ أَنْ اعْبُدُونِي، هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ" (۳) پس بی‌جهت نیست که خداوند متعال غایت آفرینش انسان را عبادت دانسته است: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ" (۴)، و تنها مأموریت و وظیفه او را بندگی خالصانه برشمرده است: "وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءً" (۵). و شکی نیست که ستون خیمه بندگی و محور اساسی آن، نماز است. "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صِلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ" (۶).

ص: ۸

-
- ۱- [۱]. گفتیم "تقریباً"، نه "تحقیقاً"؛ چراکه در این مرحله، فطرت خداجوی را دارد.
- ۲- [۲]. "قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى" (اعلی: ۱۴)، "قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا" (شمس: ۹-۱۰) (تزکیه: پاک کردن و رشد دادن است).
- ۳- [۳]. یس: ۶۰-۶۱.
- ۴- [۴]. ذاریات: ۵۶.
- ۵- [۵]. بینه: ۵.
- ۶- [۶]. مؤمنون ۳-۱.

آیت الله العظمی بهجت (ره) در فرمایشی حکیمانه با دریافت از این آیات می فرمایند: "اگر بدانیم اصلاح همه امور انسان به اصلاح عبادت و در رأس آن نماز است که به واسطه خضوع و خشوع و آن هم با اعراض از لغو می شود محقق می شود، کار تمام است". (۱)

امیر مؤمنان علی علیه السلام هم همه امور را تابع و وابسته به نماز دانسته اند: "وَ اعْلَمَ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ فَمَنْ ضَيَّعَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهُ لَيَغْرِهَا أَضْيَعٌ". (۲)

دیگر اولیای دین D نیز نسبت به نماز، هم در گفتار و هم در رفتار اهتمام و توصیه ویژه داشته اند؛ ولی با این همه در سطوح مختلف جامعه نسبت به نماز آن عنایت جدی مشاهده نمی شود و نماز در بین اهل نماز هم جایگاه مطلوب و بایسته خود را نیافته است و به گونه ای نیست که نماز اهل نماز از افراد بی نماز دلبری کند.

نوشته حاضر در صدد است، در حد توان محدود گردآورنده آن با عنایت خداوند متعال و اولیای دین D به آسیب شناسی نماز بپردازد و نمی از یم گفتار نماز گزاران حقیقی را در معرض دید مشتاقان قرار دهد و "لا قوه الا بالله".

ص: ۹

۱- [۱]. پایگاه اطلاع رسانی دفتر معظم له.

۲- [۲]. وسائل الشیعه؛ ج ۴، ص ۱۶۱

۱. نماز برای ما کار مهمی نیست

مشکل اول این است که به نمازمان اهمیت نمی دهیم و عملاً قبول نداریم نمازمان ناقص است؛ چرا که برای برطرف شدن نقصش تلاشی نمی کنیم. شاهدش اینکه نمازهای ما از اول تکلیف تاکنون، تغییری نکرده است و در نمازمان پیشرفتی نکرده ایم، حتی شاید کیفیتش پایین تر هم آمده باشد! و همین، شاهد اندک بودن اهتمام ما به نماز است.

کودکی را در نظر بگیرید که چند ماه به طور مستمر و مرتب در کلام آموزش خط حاضر شده، ولی جز حضور در کلاس کار ویژه ای انجام نداده است و در نتیجه خطش هیچ تغییری نکرده است؛ هنوز مثل اول بدخط می نویسد. در چنین حالتی به او گفته می شود: "چرا به کلاس و درست اهمیت نمی دهی؟!"، یعنی عدم حصول پیشرفت، شاهد عدم اهتمام او به کلاس و درس تلقی می شود، اگر چه هر روز در کلاس حاضر شده باشد.

۱. نماز برای ما کار مهمی نیست

مشکل اول این است که به نمازمان اهمیت نمی دهیم و عملاً قبول نداریم نمازمان ناقص است؛ چراکه برای برطرف شدن نقصش تلاشی نمی کنیم. شاهدش اینکه نمازهای ما از اول تکلیف تاکنون، تغییری نکرده است و در نمازمان پیشرفتی نکرده ایم، حتی شاید کیفیتش پایین تر هم آمده باشد! و همین، شاهد اندک بودن اهتمام ما به نماز است.

کودکی را در نظر بگیرید که چند ماه به طور مستمر و مرتب در کلام آموزش خط حاضر شده، ولی جز حضور در کلاس کار ویژه ای انجام نداده است و در نتیجه خطش هیچ تغییری نکرده است؛ هنوز مثل اول بدخط می نویسد. در چنین حالتی به او گفته می شود: "چرا به کلاس و درست اهمیت نمی دهی!؟"، یعنی عدم حصول پیشرفت، شاهد عدم اهتمام او به کلاس و درس تلقی می شود، اگر چه هر روز در کلاس حاضر شده باشد.

ص: ۱۱

کمال و نقصان هر چیز حداقل از دو جهت قابل ارزیابی است: یکی با بررسی حقیقت آن و دیگری با توجه به آثار آن. نمازهای ما با هر دو نگاه، ناقص است؛ چون:

الف) نماز ما با غفلت همراه است؛ در حالی که حقیقت نماز و عیار اصلی آن به فرموده خداوند متعال، "ذکر" است: "أقم الصلوه لذکری".

ب) نماز ما، بازدارنده از گناه نیست. قرآن کریم نماز را فریادگری می داند که نمازگزار را به پرهیز از گناه دعوت می کند: "إن الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر"؛ حال آنکه ما نماز می خوانیم، ولی مرتکب گناه هم می شویم. معلوم می شود نماز ما کارایی لازم را ندارد و فریادش آن قدر بلند نیست که ما را در مواجهه با گناه در جایمان میخکوب کند. پس درجه مطلوب کمال را ندارد؛ چراکه اگر کامل بود، کارایی اش هم کامل بود. در علم منطق گفته شده است اگر گزاره ای صحیح و صادق بود، عکس نقیض آن هم صحیح و صادق خواهد بود؛ مثلاً گزاره "آتش سوزنده است" گزاره ای درست است؛ بنابراین گزاره "آنچه سوزنده نیست آتش نیست" (عکس نقیض آن است) هم صحیح است بر این اساس چون آیه شریفه ای که ذکر شد، بلاشک صادق است، عکس نقیض آن هم صادق است؛ یعنی "ما لاینهی عن الفحشاء و المنکر فلیس بصلوه". و از آنجا که آنچه ما با عنوان نماز انجام می دهیم، بازدارنده از گناه نیست (یا لاقلاً بازدارنده از همه، گناهان نیست) معلوم می شود در همان محدوده نماز هم نیست؛ یعنی ناقص است.

چه کنیم نماز برای ما مهم باشد؟

در این بخش به بیان راه حل مشکل اول می پردازیم؛ یعنی بیان اینکه چه کنیم که "نماز" یک کار مهم، بلکه مهم ترین کار برایمان باشد؟

در این راستا راه های زیر را می توان از فرمایش های معصومین **b** استفاده نمود:

۱. توجه به اینکه نماز سخن گفتن با خدا به شیوه مطلوب اوست

قال علی بن الحسین علیه السلام : وَ حَقُّ الصَّلَاةِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ أَنَّكَ فِيهَا قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ قُمْتَ مَقَامَ الدَّلِيلِ الْحَقِيرِ الرَّاغِبِ الرَّاهِبِ الرَّاجِي الْخَائِفِ الْمُسْتَكِينِ الْمُتَضَرِّعِ الْمُعْظَمِ لِمَنْ كَانَ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالسُّكُونِ وَ الْوَقَارِ وَ تُقْبَلُ عَلَيْهَا بِقَلْبِكَ وَ تُقِيمُهَا بِحُدُودِهَا وَ حُقُوقِهَا.

وامام سجّاد علیه السلام می فرماید: و حق نماز این است که بدانی نماز کوچ کردن سوی خدای عز و جل است، و تو در آن حال در برابر خدای عز و جل ایستاده ای، و چون این معنا و موقعیت را دانستی در موضع بنده ای می ایستی که خوار و بی مقدار و زار و هراسان و امیدوار و ترسان و خاضع و متضرع است، و کسی را که در برابر او ایستاده است، به وسیله سکون و وقار

خود بزرگ می دارد. و در این حال با صمیم قلب به نماز رو می آوری، و آن را با حدود و حقوقش به پا می داری. (۱)

۲. توجه به آثار و ثواب نماز

توجه به مزد و پاداش و مقدار آن، در "اهتمام به عمل" مؤثر است؛ مثلاً اگر سه نفر، از فرد نجاری درخواست ساختن میزی را داشته باشند و هر کدام مبلغی را پیشنهاد کنند، مثلاً هزار تومان، ده هزار تومان و صد هزار تومان، نجار با توجه به پولی که هر کدام پیشنهاد کرده، میز مناسبی می سازد؛ یعنی توجه به مزد و مقدار آن، تلقی او را نسبت به عمل مورد سفارش مشخص می کند. گفتنی است پاداش از طرف دیگر، بیانگر اهتمام پیشنهاد دهنده نیز است.

در ادامه نمونه هایی از ثواب های عظیم نماز را مرور می کنیم

الف. نماز، کفاره گناهان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعِمِائَةَ بَابٍ مِمَّا يَصْلُحُ لِلْمُؤْمِنِ فِي دِينِهِ وَدُنْيَاةٍ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَتَى الصَّلَاةَ عَارِفًا بِحَقِّهَا غُفِرَ لَهُ (۲).

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر که نماز را با حق شناسی از آن بخواند خدایش بیامرزد.

ص: ۱۴

۱- [۱]. شیخ صدوق؛ من لا یحضره الفقیه؛ ترجمه غفاری، علی اکبر و محمد جواد و بلاغی، صدر؛ ج ۳، ص ۵۵۸.

۲- [۲]. علامه مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۱۰، ص ۱۰۶.

عن سلمان (ره) قال: كنا مع رسول الله صلى الله عليه وآله في ظل شجره فأخذ غصنا منها فنقضه فتساقط ورقه فقال صلى الله عليه وآله: ألا تسألون عَمَّا صنعتُ؟ قلنا: اخبرنا يا رسول الله صلى الله عليه وآله. قال: إنَّ العبد المسلم إذا قام إلى الصلوة، تحاتت عنه خطاياهُ كما تحاتت ورق هذه الشجره (١).

سلمان می گوید: زیر سایه درختی در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم. شاخه ای از آن را گرفته، تکان دادند. برگ هایی از آن بر زمین ریخت. حضرت فرمودند: نمی پرسید چرا چنین کردم؟ گفتیم: بفرمایید. فرمودند: هنگامی که مسلمانی به نماز می ایستد، گناهانش مانند برگ های این درخت بر زمین می ریزد.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَوْ كَانَ عَلَى بَابِ دَارِ أَحَدِكُمْ نَهْرٌ فَأَغْتَسَلَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْهُ خَمْسَ مَرَّاتٍ أَوْ كَانَ يَبْقَى فِي جَسَدِهِ مِنَ الدَّرَنِ شَيْءٌ؟ قُلْنَا لَا. قَالَ فَإِنَّ مَثَلَ الصَّلَاةِ كَمَثَلِ نَهْرِ الْجَارِي كُلَّمَا صَلَّى صَلَاةً كَفَرَتْ مَا بَيْنَهُمَا مِنَ الدُّنُوبِ (٢).

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر بر در خانه شما نهری باشد و در شبانه روز، پنج بار بدن خود را در آن شستشو دهید، آیا اثری از چرک و آلودگی در بدنتان باقی خواهد ماند؟ گفتیم: نه. فرمودند: همانا مثل نماز در میان شما، مثل نهری است که هر نماز در شبانه روز، اثر گناهی که در فاصله نماز گذشته با آن انجام شده است را از بین می برد.

ص: ۱۵

۱- [۱]. علامه مجلسی؛ بحار الانوار (ط. بیروت) ج ۷۹، ص ۲۰۸.

۲- [۲]. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۴، ص ۱۲.

نماز واجب معادل هزار حج و هزار عمره مقبول است. عن أَبِي كَهْمَسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ **a**: قَالَ قُلْتُ لَهُ أَيُّ الْأَعْمَالِ هُوَ أَفْضَلُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ قَالَ مَا مِنْ شَيْءٍ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ يَعِيدُ هَذِهِ الصَّلَاةَ ... وَ صِيْلَمَاءُ فَرِيضَةُ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ أَلْفَ حَجَّةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ (۱).

ابو كهمس گوید به ابو عبد الله امام صادق علیه السلام گفتیم: بارج ترین طاعتی که انسان را به خدا نزدیک کند و هیچ طاعتی به درگاه خدا محبوب تر از آن نباشد، چه طاعتی است؟ حضرت در جواب فرمودند: بعد از معرفت الله (یعنی اعتراف به توحید، نبوت و امامت)، هیچ طاعتی را بارج تر و پربهتر از نماز نمی شناسم ... و یک نماز واجب در نزد خداوند با هزار حج و هزار عمره ای که به خوبی انجام شود و ثمقبول در گاه الهی واقع شود، برابر است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَسِمْتُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَبْدِي فَنَصِيفُهَا لِي وَ نَصْفُهَا لِعَبْدِي وَ لِعَبْدِي مَا سَأَلَ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ بَدَأَ عَبْدِي بِاسْمِي وَ حَقُّ عَلَيَّ أَنْ أُتَمِّمَ لَهُ أُمُورَهُ وَ أُبَارِكَ لَهُ فِي أَحْوَالِهِ فَإِذَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ حَمَدَنِي عَبْدِي وَ عَلِمَ أَنَّ النَّعْمَ الَّتِي لَهُ مِنْ عِنْدِي وَ أَنَّ الْبَلَايَا الَّتِي دَفَعْتُ عَنْهُ فَبَطُولِي أُشْهِدُكُمْ أَنِّي أَضَيِّفُ لَهُ إِلَى نِعَمِ الدُّنْيَا نِعَمَ الْآخِرَةِ وَ أَدْفَعُ عَنْهُ بَلَايَا الْآخِرَةِ كَمَا دَفَعْتُ عَنْهُ بَلَايَا الدُّنْيَا فَإِذَا قَالَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ شَهِدَ لِي عَبْدِي أَنِّي الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ أُشْهِدُكُمْ لَأَوْفِرَنَّ مِنْ رَحْمَتِي حَظَّهُ وَ لَأُجْزِلَنَّ مِنْ عَطَائِي نَصِيبَهُ فَإِذَا قَالَ مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ أُشْهِدُكُمْ كَمَا اعْتَرَفَ أَنِّي أَنَا مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ لَأُسْهَلَنَّ يَوْمَ الْحِسَابِ حِسَابَهُ وَ لَأَتَجَاوَزَنَّ عَنْ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا قَالَ إِيَّاكَ نَعْبُدُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صِدَقَ عَبْدِي إِيَّايَ يَعْبُدُكُمْ لَأُثَبِّتَهُ عَلَى عِبَادَتِهِ ثَوَابًا يَغْبِطُهُ كُلُّ مَنْ خَالَفَهُ فِي عِبَادَتِهِ لِي فَإِذَا قَالَ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِي

اسْتَيْعَانَ عِبْدِي وَالتَّجْرَأَ إِلَيَّ أَشْهَدُكُمْ لَمَاعِينَهُ عَلَى أَمْرِهِ وَ لَمَاعِيْنَهُ فِي شِدَائِيهِ وَ لَأُخَذَنَّ بِيَدِهِ يَوْمَ نَوَائِيهِ فَإِذَا قَالَ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ إِلَى آخِرِ السُّورَةِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ هَذَا لِعَبْدِي وَ لِعَبْدِي مَا سَأَلَ فَقَدْ اسْتَجَبْتُ لِعَبْدِي وَ أَعْطَيْتُهُ مَا أَمَلَ وَ آمَنْتَهُ مِمَّا مِنْهُ وَ جَلَّ (۱).

امام حسن عسگری علیه السلام از پدر بزرگوارشان و ایشان از پدران گرامی شان از امیر المؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله از خداوند متعال، نقل کرده که حضرت حق فرمود: من سوره فاتحه الكتاب را میان خود و بندگانم تقسیم کرده ام که نصفش مال من است و نصفش مال بندگانم و هر چه بنده ام از من درخواست کند، اجابت می نمایم. وقتی که بنده ای بگوید: "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" خداوند متعال می فرماید: بنده ام مرا حمد کرد و می داند نعمت هایی که دارد از من است و بلاهایی که از او دفع شده، با عنایت و احسان من دفع شده است. شما فرشتگان را شاهد می گیرم که من نعمت های آخرت را هم به نعمت های دنیای بنده ام، اضافه می کنم و از او بلاها را دفع می کنم؛ همان طوری که بلاهای آخرت را از او دفع کردم.

وقتی بنده می خواند: "الرحمن الرحيم"، خداوند می فرماید: بنده ام شهادت به رحمان و رحيم بودن من داد، من هم شما را شاهد می گیرم که رحمت خود را درباره او زیادتر کنم و از عطاهاى خود به وى ببخشم. وقتی بنده بگوید: "مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ"، خداوند متعال می فرماید: من شما را شاهد می گیرم، چون او اعتراف به این کرد که من صاحب روز پاداش هستم، من هم در آن روز،

ص: ۱۷

۱- [۱]. شيخ صدوق؛ عيون أخبار الرضا(ع)؛ ج ۱، ص ۳۰۱. محمد بن الحسن شيخ حرّ عاملي؛ الجواهر السنیه فی الاحاديث القدسيه (کليات حديث قدسی)؛ ص ۲۷۰.

حساب او را آسان تر می کنم، حسنات وی را قبول می کنم و از گناهانش در می گذرم. و وقتی بنده در نماز می گوید: "إِيَّاكَ نَعْبُدُ"، خداوند می فرماید: بنده ام راست گفت، او فقط مرا عبادت می کند. من شما را شاهد می گیرم که برای عبادت این بنده ام، چنان ثوابی بدهم که مخالفان عبادت او به آن ثواب غبطه بخورند.

و وقتی بنده می گوید: "وَإِيَّاكَ نَشْتَعِينُ"، خداوند می فرماید: این بنده از من یاری خواست و به من پناه آورد. من شما را شاهد می گیرم که در کارهایش به وی یاری دهم و در سختی ها او را حمایت کنم و روز قیامت هم دست او را بگیرم و داخل بهشت کنم. و وقتی بنده می گوید: "أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ" تا آخر سوره حمد، خداوند می فرماید: این صراط مستقیم برای بنده من است.

آنچه را از من خواست، به وی می دهم و او را از هر چه می ترسید امان دادم.

۳. توجه به جایگاه نماز در دین

امر دیگری که اهمیت نماز را در نگاه نماز گزار بیشتر می کند، توجه به جایگاه نماز در دین مبین اسلام است.

الف) نماز "رأس اسلام" است

پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی که معاذ بن جبل را به یمن فرستادند، در ضمن سفارش ها به او فرمودند:

يَا مُعَاذَ عِلْمِهِمْ كِتَابَ اللَّهِ ... وَ لِيَكُنْ أَكْثَرَ هَمِّكَ الصَّلَاةَ فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالدِّينِ (١).

کتاب خدا را به ایشان بیاموز... و بیشترین توجه خود را معطوف به نماز کن، چرا که پس از پذیرش اصل دین، نماز مهم ترین جایگاه را دارد.

ب) نماز "وجه دین" است

مُحَمَّدٌ عَنْ سَيِّهِلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرٍ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ وَ وَجْهُ دِينِكُمْ الصَّلَاةُ فَلَا يَشِينَنَّ أَحَدُكُمْ وَجْهَ دِينِهِ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَنْفٌ وَ أَنْفُ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرُ (٢).

هر چیزی چهره ای دارد و چهره دین شما نماز است. پس مبدا شخصی چهره دینش را زشت و نازیبا گرداند و هر چیزی شروعی دارد و شروع نماز با تکبیر است.

ج) نماز "احب الأعمال إلى الله" است

عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الصَّلَاةُ وَ هِيَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِمْ أَهْلًا أَحْسَنَ الرَّجُلِ يَغْتَسِلُ أَوْ يَتَوَضَّأُ فَيَسْبِغُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يَتَنَحَّى حَيْثُ لَا يَرَاهُ أَنْيْسُ فَيُشْرِفُ عَلَيْهِ وَ هُوَ رَاكِعٌ أَوْ سَاجِدٌ إِنْ الْعَبْدُ إِذَا سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ نَادَى إِبْلِيسَ يَا وَيْلَاهُ أَطَاعَ وَ عَصَيْتُ وَ سَجَدَ وَ أَبَيْتُ (٣).

ص: ١٩

١- [١]. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ٧٤، ص ١٢٩.

٢- [٢]. شیخ کلینی، کافی، ج ٣، ص ٢٧٠.

٣- [٣]. شیخ کلینی، ج ٣، ص ٢٦٤.

زید شحام می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خداوند عز و جل نماز را بیش از سایر اعمال دوست دارد و نماز آخرین سفارش همه پیامبران است. چه منظره زیبایی است این که شخصی غسل کرده یا وضوی مطلوبی گرفته، در مکانی خلوت و به دور از چشم دیگران، به رکوع و سجده مشغول شود. زمانی که بنده ای سر بر خاک می نهد و سجده می کند، صدای شیطان به ناله بلند می شود که ای وای این بنده اطاعت خدای را نمود و من نافرمانی کردم و او سجده کرد و من امتناع نمودم.

(د) نماز "نور چشم پیامبر صلی الله علیه و آله" است

آن حضرت به ابوذر فرمودند: يَا أَبَاذَرٍّ جَعَلَ اللَّهُ جَلَّ تَنَاؤُهُ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَ حَبَّبَ إِلَيَّ الصَّلَاةَ كَمَا حَبَّبَ إِلَيَّ الْجَائِعِ الطَّعَامَ وَ إِلَى الظَّمآنِ الْمَاءَ وَ إِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ شَبِعَ وَ إِنَّ الظَّمآنَ إِذَا شَرِبَ رَوَى وَ أَنَا لَا أَشْبِعُ مِنَ الصَّلَاةِ (۱).

خداوند فرا ستایش، نور چشم مرا در نماز قرار داده است و چنان مرا علاقه مند به نماز ساخته که گرسنه را علاقه مند به غذا و تشنه را علاقه مند به آب. البته محبت گرسنه و تشنه به غذا و آب موقت است و لیکن من از نماز سیری ندارم.

(ه) نماز "عامل نزدیک شدن به خدا" است

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ: "الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ" (۲): نماز عامل نزدیکی پارسایان به خداوند است.

ص: ۲۰

۱- [۱]. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۴، ص ۷۲.

۲- [۲]. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۲۶۴.

(و) نماز "بهترین موضوع" است

عن أبي ذر: فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالصَّلَاةِ فَمَا الصَّلَاةُ؟ قَالَ خَيْرُ مَوْضُوعٍ فَمَنْ شَاءَ أَقَلَّ وَ مَنْ شَاءَ أَكْثَرَ. (۱)

ابوذر می گوید به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: مگر نماز چیست که مرا به آن توصیه [ویژه] نمودید؟ فرمودند: بهترین موضوع است. حال، هر کس [مخیراست] که بهره خود را اندک کند یا بسیار نماید.

(ز) نماز "عمود خیمه دین" است:

عَنْ أَبِي عَبِيدٍ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَثَلُ الصَّلَاةِ مَثَلُ عَمُودِ الْفَسِيحَاتِ إِذَا تَبَّتْ الْعُمُودُ نَفَعَتِ الْأُتُنَابُ وَالْأُوتَادُ وَالْعِشَاءُ وَإِذَا انْكَسَرَ الْعُمُودُ لَمْ يَنْفَعِ طُنْبٌ وَلَا وَتْدٌ وَلَا غِشَاءٌ. (۲)

امام صادق علیه السلام نقل می کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: مثل نماز مثل ستون چادر (خیمه) است. اگر ستون محکم باشد، طناب ها و میخ ها و پوش [بر سر پا و] سودمند خواهد بود و اگر ستون بشکند [و از جا در رود]، هیچ طناب و میخ و پوشی به درد نمی خورد [و چادر بر پا نخواهد ماند].

ص: ۲۱

۱- [۱]. علامه مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۴، ص ۷۲.

۲- [۲]. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۲۶۴.

ح) نماز "بهترین اعمال بعد از معرفت" است

عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَفْضَلِ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى رَبِّهِمْ وَأَحَبِّ ذَلِكَ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَا هُوَ فَقَالَ مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ أَلَا تَرَى أَنَّ الْعَبْدَ الصَّالِحَ، عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ. (۱)

به امام صادق علیه السلام گفتم: بارجترین طاعتی که انسان را به خدا نزدیک کند و هیچ طاعتی به درگاه خدا محبوب تر از آن نباشد، چه طاعتی است؟ ابو عبدالله فرمودند: بعد از شناخت خداوند، هیچ طاعتی را بارجتر و پربهاتر از نماز نمی شناسم. نشنیده ای که بنده صالح خدا عیسی بن مریم گفته است: "و خداوند مرا به ادای نماز سفارش کرد".

ط) نماز، اولین چیزی است که از آن، سؤال می شود

قال النبي صلى الله عليه و آله: أول ما ينظر في عمل العبد في يوم القيامة، في صلوته؛ فإن قبلت، نظر في غيرها، و إن لم تقبل، لم ينظر من عمله بشيء. (۲)

در روز قیامت، ابتدا به نماز بنده توجه می شود؛ اگر شایسته پذیرش بود به بقیه اعمال او هم توجه می شود و اگر شایسته پذیرش نبود به هیچ یک از اعمالش توجه نمی شود؛ مثل اینکه دکتری به مریض می گوید: از این نسخه اگر فلان دوا را نخوری، مصرف بقیه دواها بی فایده است. یا معلم به دانش آموز می گوید: اگر به فلان سؤال جواب ندهی، ورقه ات را تصحیح نمی کنم، چرا که پاسخگویی به بقیه سؤالات، وابسته به پاسخگویی به این

ص: ۲۲

۱- [۱]. همان.

۲- [۲]. بحار الانوار (ط. بیروت)؛ ج ۷۹ ص ۲۲۷.

سؤال است. یا به کسی گفته می شود: از این کتاب اگر فلان صفحه را نخوانی، گویی اصلاً کتاب را نخوانده ای. به عبارت دقیق تر نماز محصول کارخانه زندگی و بندگی انسان است که کیفیت مطلوب آن از سلامت همه دستگاه ها و عرصه ها حکایت دارد.

ی) خداوند متعال از اموری چون شرب خمر (نوشیدن شراب) به دلیل اینکه [علاوه بر ایجاد عداوت و بغضاء] انسان را از یاد خدا و نماز بازمی دارد، نهی نموده است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ. (۱)

ک) خداوند متعال مسلمانان را از ارتباط دوستانه با اهل کتاب و کفار به دلیل اینکه دین و نماز را به بازی و مسخره می گیرند، باز داشته است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُتُوبَكُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ. (۲)

۴. توجه به اهتمام ویژه خداوند به نماز

نماز به فرموده امام سجاد علیه السلام ورود بر خداوند و ایستادن در پیشگاه اوست؛ ورود و ملاقاتی که حضرت حق تبارک و تعالی جوانب مختلف آن را

ص: ۲۳

۱- [۱]. مائده: ۹۰-۹۱.

۲- [۲]. مائده: ۵۷-۵۸.

مورد توجه قرار داده، عنایات ویژه خود را نسبت به آن مبذول داشته است که همه اینها از جایگاه خاص نماز در بین عبادات حکایت می کند. در ادامه به گوشه ای از این عنایات اشاره می شود.

الف) خداوند متعال نماز را در بهترین اوقات شبانه روز قرار داده است

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: وَارْفَعُوا إِلَيْهِ أَيْدِيَكُمْ بِالدُّعَاءِ فِي أَوْقَاتِ صَلَاتِكُمْ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ يُجِيبُهُمْ إِذَا نَاجَوْهُ وَيَلِيْبُهُمْ إِذَا نَادَوْهُ وَيُعْطِيهِمْ إِذَا سَأَلُوهُ وَيَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِذَا دَعَوْهُ (۱).

در وقت نماز دست به دعا بردارید که بهترین ساعت ها است. خدا در آن نظر لطف به بندگان خود دارد، به مناجات آنان پاسخ می دهد و فریاد آنان را لیبیک می گوید و درخواست آنان را می دهد و دعای آنان را مستجاب می کند.

ب) برای نماز مکان ویژه با فضیلت خاص در نظر گرفته شده است

وَ رُوي أَنَّ فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبًا أَنَّ يُبْتَوَى فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ فَطُوبَى لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَيَّ الْمَزُورِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ أَلَا بَشَرِ الْمَشَائِنِ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۲).

در تورات چنین آمده است: به راستی خانه های من روی زمین، همان مساجد است. فرخنده باد آن بنده ای که در سرای خویش وضو سازد و مرا در خانه ام زیارت کند. البته که گرامی داشت میهمان بر صاحب خانه لازم و فرض است. الا آنان را که در تاریکی های شب گام برداشتن به سوی

ص: ۲۴

۱- [۱]. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۰ ص ۳۱۳. شیخ صدوق؛ امالی؛ ترجمه محمدباقر کمره ای؛ ص ۹۴.

۲- [۲]. شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۱، ص ۲۳۹.

مساجد را پیشه ساخته اند، بشارت ده که در روز رستاخیز با نوری درخشان وارد محشر خواهند شد.

ج) برای نماز جهت ویژه قرار داده شده است (قبله). آن هم مکانی که پس از کربلا بهترین نقطه زمین است.

د) مجموعه نماز از بهترین ها شکل گرفته است. توضیح اینکه در بین عبادات فردی عبادتی به پای قرائت قرآن، ذکر، دعا و استغفار نمی رسد و در بین این امور، اجزای تشکیل دهنده نماز یعنی سوره مبارک "حمد"، سوره مبارک "توحید"، "تسبیحات اربعه" و "صلوات بر محمد و آل محمد" هر کدام جایگاه ویژه ای دارند و از بهترین ها هستند. حالات نماز یعنی قیام، رکوع و سجده هم از بهترین حالات حضور بنده در پیشگاه رب العالمین است. آری نماز، از چنین مفردات و حالاتی تشکیل شده است که توجه به آنها می تواند گوشه ای از عظمت و اهمیت نماز را برای نماز گزار جلوه گر سازد. هرچه نماز گزار به اجزا و حالات نماز و اهمیت ویژه هر کدام توجه کند، در ایجاد یک نماز کامل، بیشتر تلاش خواهد کرد.

در ادامه گوشه هایی از اهمیت اجزای نماز را به نظاره می نشینیم:

یک. اهمیت سوره حمد

الف) سوره "حمد" دو بار نازل شده است، سبع المثانی است

شارح اصول کافی می فرماید: و اتَّفَقَ أرباب التفسیر علی أنَّ السبع المثانی هی الفاتحه، و قالوا: سمیت بذلك لأنها سبع آیات، و یشی فی الصلاه أو فی النزول حیث

ص: ۲۵

نزلت بمكّه و بالمدينه. (۱). همه مفسران "السبع المثاني" را سوره حمد دانسته اند. چون مشتمل بر هفت آیه است "السبع" نامیده شده و چون در هر نماز دو بار خوانده می شود و یا اینکه دو بار نازل شده یک بار در مکه و دیگر بار در مدینه به آن "المثاني" گفته می شود.

ب) سوره حمد اساس قرآن است: یکی از نامهای سوره مبارکه حمد، "امّ الكتاب" است یعنی "اساس قرآن"

و عن ابن عباس أنّه قال: إنّ لكلّ شیء أساساً، و أساس القرآن فاتحه الكتاب: (۲) از ابن عباس نقل شده که هر چیزی اساسی دارد و اساس قرآن سوره حمد است.

ج) سوره حمد، برترین سوره است

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ لِجَابِرٍ: أَلَمَّا أُعَلِّمُكَ أَفْضَلَ سُورَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ قَالَتْ بَلَى عَلَّمْنَاهَا. قَالَ فَعَلَّمَهُ الْحَمِيدُ أُمَّ الْكِتَابِ ثُمَّ قَالَ هِيَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ وَ السَّامُ الْمَوْتُ. (۳)

پیامبر صلی الله علیه و آله به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند: برترین سوره ای را که خداوند متعال در کتابش نازل فرموده، به تو پیاموزم؟ جابر عرض کرد: آری. حضرت به او سوره حمد را که اساس قرآن است تعلیم نمودند و پس از آن فرمودند: این سوره شفای هر دردی جز "سام" است و منظور از سام، "مرگ" است.

د) سوره حمد، عدل قرآن است

ص: ۲۶

۱- [۱]. محمدهادی بن محمد صالح مازندرانی؛ شرح فروع الکافی؛ ج ۳، ص ۳۴.

۲- [۲]. محمدهادی بن محمد صالح مازندرانی؛ شرح فروع الکافی؛ ج ۳، ص ۳۴.

۳- [۳]. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۶، ص ۲۳۲.

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ وَ لَقَدْ آتَيْتُكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ فَأَفْرَدَ الْإِمْتِنَانَ عَلَيَّ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ جَعَلَهَا يِزَاءَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ إِنَّ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَشْرَفُ مَا فِي كُنُوزِ الْعَرْشِ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَصَّ مُحَمَّدًا وَ شَرَّفَهُ بِهَا وَ لَمْ يُشْرِكْ مَعَهُ فِيهَا أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِهِ مَا خَلَا سُلَيْمَانَ فَإِنَّهُ أَعْطَاهُ مِنْهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْخ (١).

امام حسن علیه السلام از پدران نشان نقل می کنند که امیرمؤمنان علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: خداوند عز وجل در خطاب به من این گونه فرمود: "وَلَقَدْ آتَيْتُكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ"؛ و به راستی، به تو سبع المثنای (سوره فاتحه) و قرآن بزرگ را عطا کردیم. " (٢) که به واسطه سوره حمد بر من منت ویژه گذاشته و آن را همتای قرآن عظیم قرار داده است. امیر مؤمنان علیه السلام در ادامه فرمودند: فاتحه الکتاب برترین موجودی گنجینه های عرش الهی است و خداوند عز وجل آن را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله اختصاص داده و آن حضرت را به آن شرافت بخشیده و در

ص: ٢٧

١- [١]. شیخ صدوق؛ أمالی؛ ص ١٧٥، مجلس سی و سوم. (این حدیث شریف را همه امامان D نقل کرده اند).

٢- [٢]. حجر: ٨٧.

این جهت هیچ یک از پیامبران را با ایشان شریک نکرده، به جز حضرت سلیمان که به ایشان "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" آن را عطا فرموده است.

خواندن سوره حمد ثواب خواندن دو ثلث قرآن را دارد

عَنْ أَبِي بِنِ كَعْبٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّمَا مُسْلِمٍ قَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ كَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثِي الْقُرْآنِ وَ أُعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ كَأَنَّمَا تَصَدَّقَ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ (۱).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر مسلمانی سوره حمد را بخواند به اندازه ای پاداش می گیرد که گویی دو سوم قرآن را تلاوت نموده است و به اندازه ای که گویی به همه مؤمنان صدقه داده است.

دو. گوشه هایی از اهمیت سوره توحید

الف) قرائت سوره توحید، معادل قرائت ثلث قرآن و ثلث تورات و ثلث انجیل و ثلث زبور است

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَرَّةً وَاحِدَةً فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ وَ ثُلُثَ التَّوْرَةِ وَ ثُلُثَ الْإِنْجِيلِ وَ ثُلُثَ الزَّبُورِ (۲):

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر که سوره توحید را بخواند گویی یک سوم همه کتاب های آسمانی، یعنی قرآن و تورات و انجیل و زبور را تلاوت نموده است.

قرائت سوره توحید، موجب آمرزش گناهان است

ص: ۲۸

۱- [۱]. مجلسی؛ بحار الانوار (ط. بیروت)؛ ج ۸۹، ص ۲۵۹.

۲- [۲]. شیخ صدوق؛ التوحید؛ ص ۹۵.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ قَرَأَ قُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِائَةً مَرَّةً حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبَ خَمْسِينَ سَنَةً (۱).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس هنگام خواب سوره "قل هو الله احد" را صد مرتبه بخواند، خداوند گناهان پنجاه سال او را می آمرزد.

محبت به سوره توحید، نشانه محبت خداوند به بنده است

عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعَثَ سَرِيَّةً وَاسْتَعْمَلَ عَلَيْهَا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا رَجَعُوا سَأَلَهُمْ فَقَالُوا كُلُّ خَيْرٍ غَيْرَ أَنَّهُ قَرَأَ بِنَا فِي كُلِّ صِيْلَةٍ يَقُلُّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَقَالَ يَا عَلِيُّ لِمَ فَعَلْتَ هَذَا فَقَالَ لِحُبِّي لِقُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا أَحْبَبْتَهَا حَتَّى أَحَبَّكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (۲).

عمران بن حصین می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله لشکری را به فرماندهی علی علیه السلام گسیل داشتند و پس از بازگشت لشکر، از ایشان در باره آن حضرت سؤال کردند. لشکریان در پاسخ گفتند: علی علیه السلام از هر جهت خوب و شایسته بود جز اینکه در همه نمازهای جماعت، پس از حمد، (قل هو الله احد) می خواند. پیامبر صلی الله علیه و آله از علی صلی الله علیه و آله علت را پرسیدند. حضرت فرمودند: من به سوره "قل هو الله احد" علاقه خاصی دارم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: دلیل این محبت خاص این است که خداوند به تو محبت ویژه دارد.

قرائت مستمر سوره توحید، توجه ویژه فرشتگان را به همراه دارد

ص: ۲۹

۱- [۱]. همان.

۲- [۲]. همان؛ ص ۹۴.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَّى عَلَيَّ عَلَى سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ فَقَالَ لَقَدْ وَافَى مِنَ الْمَلَائِكَةِ لِلصَّلَاةِ عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ فِيهِمْ جِبْرَائِيلُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ فَقُلْتُ يَا جِبْرَائِيلُ بِمِ اسْمِ تَحَقَّقَ صَلَاتُكُمْ عَلَيْهِ قَالَ بِقِرَاءَةِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ قَائِمًا وَقَاعِدًا وَرَاكِبًا وَمَاشِيًا وَذَاهِبًا وَجَائِيًا(۱).

سکونی از امام صادق علیه السلام ، و آن حضرت از پدر بزرگوارش امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر جنازه سعد بن معاذ نماز خواند و فرمود: هفتاد هزار فرشته که جبرئیل علیه السلام نیز در میان آنان بود، بر جنازه او نماز خواندند. از جبرئیل پرسیدم: او چه عملی انجام داده بود که این شایستگی را پیدا کرد که شما بر جنازه او نماز خواندید؟ گفت: به سبب اینکه سوره "قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ" را در حالت ایستاده و نشسته، سواره و پیاده، و در حال رفت و آمد تلاوت می کرد.

سه. گوشه هایی از اهمیت تسبیحات اربعه

الف) اذکار آسمانی، خوبی های ماندگار و بازدارنده از انواع حوادث ناگوار است

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِأَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ أَرَأَيْتُمْ لَوْ جَمَعْتُمْ مِائَةَ عِنْدِكُمْ مِنَ الثِّيَابِ وَالْمَانِيَةِ ثُمَّ وَضَعْتُمْ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ أَكُنْتُمْ تَرَوْنَهُ يَبْلُغُ السَّمَاءَ قَالُوا لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَفَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ أَصْلُهُ فِي الْأَرْضِ وَفَرْعُهُ فِي السَّمَاءِ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَقُولُ أَحَدُكُمْ إِذَا فَرَّغَ مِنَ الصَّلَاةِ الْفَرِيضَةِ ثَلَاثِينَ مَرَّةً سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ فَإِنَّ أَصْلَهُنَّ فِي الْأَرْضِ وَفَرْعُهُنَّ فِي السَّمَاءِ وَ هُنَّ يَدْفَعْنَ

ص: ۳۰

الْهَيْدَمَ وَالْغَرَقَ وَالْحَرَقَ وَالتَّرْدَى فِي الْبُرِّ وَ أَكَلَ السَّبْعِ وَ مَيَّتَهُ السَّوْءِ وَ الْبَيْتَةَ الَّتِي تُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى الْعَبْدِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ هُنَّ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی به یاران خود فرمودند: آیا اگر لباس ها و ظرف هایتان را جمع کرده و آنها را روی هم بگذارید، به آسمان خواهد رسید؟ گفتند: نه، ای رسول خدا! حضرت فرمودند: نمی خواهید چیزی به شما بگویم که ریشه اش در زمین و شاخه اش در آسمان باشد؟ عرض کردند: چرا ای رسول خدا! حضرت فرمودند: هر کدام از شما بعد از نماز واجبش سی بار بگوید: "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر"؛ زیرا ریشه این ذکرها در زمین و شاخه اش در آسمان است. این ذکرها از زیر آوار ماندن، با آتش سوختن، غرق شدن، افتادن در چاه، طمعه درندگان شدن، مرگ بد و حادثه ناگواری که در آن روز از آسمان فرود می آید، جلوگیری می کند.

خواندن تسبیحات اربعه موجب استجاب دعا است

عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةَ النَّضْرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَرْبَعِينَ مَرَّةً فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ قَبْلَ أَنْ يَشْتِيَ رَجُلَيْهِ ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ أُعْطِيَ مَا سَأَلَ. (۲)

حارث بن مغیره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: هر کس بعد از هر نماز واجب قبل از...چهل بار "سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ"

ص: ۳۱

۱- [۱]. علامه مجلسی؛ بحار الانوار؛ (ط - بیروت)؛ ج ۹۰، ص ۱۷۳.

۲- [۲]. شیخ صدوق؛ امالی؛ ص ۱۸۳، مجلس چهل و سوم.

اللَّهُ أَكْبَرُ" بگوید و پس از آن از خداوند درخواست کند، حاجتش برآورده می شود.

خواندن تسبیحات اربعه، متمم نماز شکسته است

خواندن سی مرتبه تسبیحات اربعه بعد از نماز شکسته، فضیلت دو رکعت باقیمانده را دارد. امام رضا علیه السلام در سفر بعد از هر نماز شکسته سی مرتبه "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله والله اكبر" را بر زبان جاری می ساختند و می فرمودند: این متمم نماز قصر (شکسته) است. (۱)

تسبیحات اربعه، زیربنای اسلام است

رَوَى عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُرِّئِلَ لِمَ سُمِّيَتِ الْكَعْبَةُ كَعْبَةً قَالَ لِأَنَّهَا مُرَبَّعَةٌ فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَتْ مُرَبَّعَةً قَالَ لِأَنَّهَا بِحِذَاءِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ هُوَ مُرَبَّعٌ فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَ الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ مُرَبَّعًا قَالَ لِأَنَّهُ بِحِذَاءِ الْعَرْشِ وَ هُوَ مُرَبَّعٌ فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ صَارَ الْعَرْشُ مُرَبَّعًا قَالَ لِأَنَّ الْكَلِمَاتِ الَّتِي بُنِيَ عَلَيْهَا الْإِسْلَامُ أَرْبَعٌ وَ هِيَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ. (۲)

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: برای چه کعبه، کعبه نامیده شد؟ حضرت فرمودند: زیرا چهار گوش است. محضر مبارکش عرض شد: برای چه چهار گوش است؟ حضرت فرمودند: زیرا محاذی بیت المعمور است و آن چهار گوش می باشد. عرض شد: برای چه بیت المعمور چهار گوش است؟ حضرت فرمودند: زیرا محاذی عرش است و آن چهار گوش است. محضر

ص: ۳۲

۱- [۱]. عیون أخبار الرضا علیه السلام ؛ ترجمه محمدتقی آقاجفی؛ ج ۲، ص ۴۲۵.

۲- [۲]. شیخ صدوق؛ علل الشرائع؛ ترجمه محمدجواد ذهنی تهرانی؛ ج ۲، ص ۲۸۷.

مبارکش عرض شد: چرا عرش مرتع است؟ فرمودند: زیرا کلماتی که اسلام بر آن بنا شده چهار تا است و آنها عبارت اند از:
"سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر".

چهار. گوشه های از اهمیت صلوات بر پیامبر و اهل بیت صلی الله علیه و آله

الف) خداوند متعال از صلوات پیوسته خود و فرشتگان بر پیامبر (و اهل بیت ایشان) (D) خبر داده و همگان را به این امر و به تسلیم شدن در پیشگاه ایشان فرمان داده است: "إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا" (۲)

ب) صلوات بر پیامبر و آل ایشان موجب صلوات مضاعف خداوند بر فرستنده صلوات است

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ فَرْوَحَ مَوْلَى آلِ طَلْحَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا إِسْحَاقَ بْنَ فَرْوَحَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَشْرًا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَلَائِكَتُهُ أَلْفًا، أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ مَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا. ۲۱

ص: ۳۳

۱- [۱]. بر اساس روایات، صلوات بر پیامبر با صلوات بر ایشان و اهل بیتشان محقق می شود؛ از آن جمله رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: "لا تصلوا على الصلوة البتراء، فقالوا يا رسول الله ما الصلوة البتراء؟ قال ان تقولوا: اللهم صل على محمد، بل قولوا: اللهم صل على محمد و آل محمد". بر من درود بی دنباله نفرستید. گفتند: یا رسول الله درود بی دنباله چیست؟ فرمود: اینکه می گویند: اللهم صل على محمد، بلکه بگویند: اللهم صل على محمد و آل محمد (صحیفه سجادیه؛ ترجمه و شرح فیض الإسلام؛ ص ۴۳، دعای دوم. همچنین ر.ک: علامه مجلسی؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول؛ ج ۱۲، ص ۱۰۷، ح ۲۱.

۲- ۱.۲ حزاب: ۵۶.

اسحاق بن فروخ گوید: حضرت صادق علیه السلام فرمود: ای اسحاق بن فروخ هر که ده بار بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، خداوند و فرشتگان او صد بار بر او صلوات می فرستند، و هر که صد بار بر محمد و آل محمد صلوات فرستد، خداوند و فرشتگانش هزار بار بر او صلوات می فرستند، آیا گفتار خدای عز و جل را نشنیده ای [که می فرماید:] "اوست آن خداوندی که رحمت (یا درود) فرستد بر شما (او) و همچنین فرشتگانش تا برون آرد شما را از تاریکی ها بسوی روشنایی(۱) و او نسبت به مؤمنان مهربان است".

عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ: مَا فِي الْمِيزَانِ شَيْءٌ أَثْقَلَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَتَوَضَّعَ أَعْمَالُهُ فِي الْمِيزَانِ فَتَمِيلُ بِهِ فَيُخْرِجُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ فَيَضَعُهَا فِي مِيزَانِهِ فَيَرْجَحُ بِهِ. (۲)

محمد بن مسلم از یکی از دو امام باقر و صادق D نقل می کند که فرمود: در میزان (ترازوی اعمال در قیامت) چیزی سنگین تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست، و همانا مردی باشد که اعمالش را در میزان گذارند و سبک باشد، پس ثواب صلوات او در آید و آن را در میزان نهد؛ پس سبب آن سنگین گردد و [بر کفه دیگر] بچربد.

ص: ۳۴

۱- [۱]. توجه به دعای وارد شده از ناحیه مقدسه، برای فهمیدن نمونه های روشن تاریکی و نور مفید است: "اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدِ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَ كَلِمَةِ نُورِكَ وَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَ صَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَ فِكْرِي نُورَ الثَّبَاتِ وَ عَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَ قُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَ لِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَ دِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَ بَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَ سَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَ مَوَدَّتِي نُورَ الْمَوَالِهِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ D حَتَّى أَلْقَاكَ وَ قَدْ وَفَيْتَ بَعْدِيكَ وَ مِيثَاقَكَ فَتُعْشِنِي رَحْمَتِكَ يَا وَلِيَّيَ يَا حَمِيد" (علامه مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۵۳، ص ۱۷۲).

۲- [۲]. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۴۹۴ و اصول کافی؛ ترجمه سید جواد مصطفوی؛ ج ۴، ص ۲۵۲.

یکی دیگر از عواملی که اهمیت نماز را برای نمازگزار بیشتر می کند، توجه به مذمت هایی است که درباره سبک شمردن نماز آمده است.

عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَازِبَةَ اللَّهُ يَوْمًا: تَحْسِنُ أَنْ تُصَلِّيَ يَا حَمَادُ؛ قَالَ: فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي أَنَا أَخْفَظُ كِتَابَ حَرِيْزِ فِي الصَّلَاةِ. قَالَ فَقَالَ: لَا عَلَيْكَ، فَمَنْ صَلَّى قَالَ فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَوَجِّهًا إِلَى الْقِبْلَةِ فَاسْتَفْتَحْتُ الصَّلَاةَ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ فَقَالَ يَا حَمَادُ لَا تَحْسِنُ أَنْ تُصَلِّيَ مَا أَفْبَحَ بِالرَّجُلِ أَنْ يَأْتِيَ عَلَيْهِ سِتُونَ سَنَةً أَوْ سَبْعُونَ سَنَةً فَمَا يُقِيمُ صَلَاةً وَاحِدَةً بِحُدُودِهَا تَامَةً... (۱)

حماد بن عیسی گوید: روزی امام ششم به من فرمود: می توانی خوب نماز بخوانی؟ عرض کردم یا سیدی من کتاب نماز حریز را حفظ هستم. فرمود: بر تو باکی نیست. برخی نماز بخوان. گوید: برابر آن حضرت رو به قبله ایستادم و تکبیر نماز گفتم و رکوع و سجود نمودم. فرمود: ای حماد خوب نماز نمی خوانی و چه اندازه بر مرد زشت است که شصت سالش شود و یک نماز کامل و تمام بر پا ندارد... (۲)

ص: ۳۵

۱- [۱]. شیخ صدوق؛ أمالی؛ ص ۴۱۴، مجلس جهل و ششم.

۲- [۲]. ... ادامه حدیث: حماد گوید پیش خود خوار شدم و عرض کردم قربانت نماز را به من بیاموز. امام صادق علیه السلام رو بقبله ایستاد، تمام قد و دو دست را تا ران پایین انداخت که انگشتانش به هم چسبیده بود و دو گام را به هم نزدیک کرد تا فاصله آنها سه انگشت گشاده شد و انگشتان پایش همه را برابر قبله نمود و منحرف نساخت. در حال خشوع و استکانت گفت: الله اکبر. حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ را آرام خواند و به اندازه نفسی درنگ کرد و ایستاده گفت: الله اکبر. سپس به رکوع رفت و دو کف خود را که انگشتانش باز بود از دو سر زانو پر کرد و زانو را عقب داد تا پشت او هموار شد که اگر قطره آبی یا روغنی بر آن می چکید، نمی لغزید؛ از بس پشتش هموار بود، و گردن کشید و چشم ها خوابانید. سه بار به آرامی فرمود: سبحان الله ربی العظیم و بحمده. و به ایستادن برخاست و چون بر جا شد، گفت: سمع الله لمن حمده. و همان ایستاده تکبیر گفت و دو دست را تا برابر رو بلند کرد و به سجده رفت و دو کف را که انگشتانش به هم چسبیده بود، میانه دو سر زانو برابر روی نهاد و سه بار گفت: سبحان ربی الاعلی و بحمده. و چیزی از اعضای بدن را بر هم نگذاشت و بر هشت عضو سجده کرد: پیشانی، دو کف، دو سر زانو و دو سر انگشت بزرگ پاها که این هفت واجب است و سر بینی را بر زمین نهاد و این سنت (مستحب) است و همان ارغام است. سپس سر از سجده برداشت و چون بر جا نشست گفت: الله اکبر و بر طرف چپ نشست و روی پای راستش را بر پشت پای چپش نهاد و گفت: أستغفر الله ربی و اتوب الیه. و همان نشسته باز تکبیر گفت و به سجده دوم رفت و همان گفت که در سجده اول گفته بود و در رکوع و سجود هیچ عضو تنش از هم کمک نگرفتند و دست ها را از زیر تن بیرون داده بودند مانند پر، و دو ذراع (از آرنج تا مچ دست) را بر زمین نگذاشته بود. به همین روش دو رکعت نماز خواند و فرمود: ای حماد چنین نماز بخوان و رو بر مگردان و با دست و انگشت بازی مکن و به سوی راست و چپ آب دهن مینداز و نه پیش روی خود.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الرَّجُلَيْنِ مِنْ أُمَّتِي يَقُومَانِ فِي الصَّلَاةِ وَرُكُوعُهُمَا وَسُجُودُهُمَا وَاحِدٌ وَإِنْ مَا بَيْنَ صِيَمَاتَيْهِمَا مِثْلُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ممکن است دو نفر از امت من مشغول نماز شوند و [در ظاهر] رکوع و سجده ای یکسان به جا آورند و حال آنکه فاصله بین نمازشان همچون فاصله بین آسمان و زمین است.

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِذَا قَامَ الْعَبْدُ فِي الصَّلَاةِ فَخَفَّفَ صِيَمَاتَهُ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: أَمَا تَرَوْنَ إِلَيَّ عَبْدِي كَأَنَّهُ يَرَى أَنَّ قِضَاءَ حَوَائِجِهِ بِيَدِ غَيْرِي أَمَا يَعْلَمُ أَنَّ قِضَاءَ حَوَائِجِهِ بِيَدِي. (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که بنده به نماز بایستد، و نمازش را مختصر بخواند و سبک شمارد، خداوند تبارک و تعالی [به فرشتگان] می فرماید: آیا به بنده من نمی نگرید، گویا خیال می کند که برآورده شدن

ص: ۳۶

۱- [۱]. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۸۱، ص ۲۴۹.

۲- [۲]. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۲۶۹.

حوایجش به دست غیر من است. آیا نمی داند که برآورده شدن خواسته هایش به دست من است؟

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ أَبْصَرَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا يَنْقُرُ صَلَاتَهُ فَقَالَ مُنْذُ كَمْ صَلَّيْتَ بِهَذِهِ الصَّلَاةِ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ مُنْذُ كَذَا وَكَذَا فَقَالَ مَتْلُكَ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ الْعُرَابِ إِذَا نَقَرَ لَوْ مِتَّ مَتَّ عَلَى غَيْرِ مَلِهِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ ثُمَّ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ أَسْرَقَ النَّاسِ مَنْ سَرَقَ صَلَاتَهُ.

امام صادق علیه السلام فرموده اند: امیر المؤمنین علی علیه السلام مردی را دیدند که شتابان و بدون رعایت طمأنینه نماز می گزارد. حضرت از او پرسیدند چند وقت است که چنین نماز می گزاری. گفت: مدتی است. فرمودند: مثل تو در پیشگاه خداوند، مثل کلاغ است که نوک به زمین می زند، اگر با این حال بمیری به آیین ابو القاسم صلی الله علیه و آله نخواهی مرد. سپس امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: همانا دزدترین مردم کسی است که از نماز خود می دزدد.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أُمِّ حَمِيدَةَ أُعْزِيهَا بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَكَتْ وَبَكَتْ لِبُكَائِهَا ثُمَّ قَالَتْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَوْ رَأَيْتَ أَيَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الْمَوْتِ لَرَأَيْتَ عَجَبًا فَتَبَحَّ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ اجْمَعُوا كُلَّ مَنْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ قَرَابَةً قَالَتْ فَمَا تَرَكْنَا أَحَدًا إِلَّا جَمَعْنَاهُ فَنَظَرَ إِلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخْفًا بِالصَّلَاةِ. (۱)

ابوبصیر می گوید: پیش ام حمیده رفتم که به او رحلت امام صادق علیه السلام را تسلیت بگویم، گریست و از گریه او من هم گریستم. سپس گفت: ای ابو محمد اگر امام صادق علیه السلام را هنگام رحلت ایشان دیده بودی، چیز عجیبی

ص: ۳۷

می دیدی؛ چشمهایش را گشود و فرمود: همه کسانی را که نزدیکان من هستند و میان من و ایشان خویشاوندی است، جمع کنید. همگان را جمع کردیم، امام علیه السلام به آنان نگریست و فرمود: همانا شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمرد، نخواهد رسید.

عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ ذَعِرًا مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافَظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فَإِذَا ضَيَّعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعِظَائِمِ (۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند: تا وقتی که آدمی نمازهای پنجگانه خویش را به وقت خود بگذارد شیطان از او ترسان و گریزان است و چون نمازها را تباه کند، شیطان بر او دست می یابد و او را به گناهان بزرگ می کشاند.

فَلَمَّا حُ السَّائِلِ، أَرَوِي بِحَدِيثِ الْإِسْنَادِ عَنْ سَيِّدِهِ النَّسَاءِ فَاطِمَةَ ابْنَةَ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ صِلَمَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَبِيهَا وَ عَلَى بَعْلِهَا وَ عَلَى أَبْنَائِهَا الْأَوْصِيَاءِ أَنَّهَا سَأَلَتْ أَبَاهَا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَتْ يَا أَبَتَاهُ مَا لِمَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النَّسَاءِ قَالَ يَا فَاطِمَةُ مَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النَّسَاءِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِخَمْسِ عَشْرَةَ خَصِيْلَةً سِتُّ مِنْهَا فِي دَارِ الدُّنْيَا وَ ثَلَاثٌ عِنْدَ مَوْتِهِ وَ ثَلَاثٌ فِي قَبْرِهِ وَ ثَلَاثٌ فِي الْقِيَامَةِ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ فَأَمَّا اللَّوَاتِي تُصَيَّبُ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَأَلْوَى يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَهَ مِنْ عُمُرِهِ وَ يَرْفَعُ اللَّهُ الْبَرَكَهَ مِنْ رِزْقِهِ وَ يَمْحُو اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سَيِّمَاءَ الصَّالِحِينَ مِنْ وَجْهِهِ وَ كُلُّ عَمَلٍ يَعْمَلُهُ لَا يُؤْجِرُ عَلَيْهِ وَ لَا يَرْتَفِعُ دُعَاؤُهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ السَّادِسَةُ لَيْسَ لَهُ حِظٌّ فِي دُعَاءِ الصَّالِحِينَ وَ أَمَّا اللَّوَاتِي تُصَيَّبُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَأُولَاهُنَّ أَنَّهُ يَمُوتُ ذَلِيلًا وَ الثَّانِيَةُ يَمُوتُ جَائِعًا وَ الثَّلَاثَةُ يَمُوتُ عَطْشَانًا فَلَوْ سَقِيَ مِنْ أَنْهَارِ الدُّنْيَا لَمْ يَزَوْ عَطْشُهُ وَ أَمَّا اللَّوَاتِي تُصَيَّبُ فِي قَبْرِهِ فَأُولَاهُنَّ يُوَكَّلُ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يُزْعِجُهُ فِي قَبْرِهِ وَ الثَّانِيَةُ يُضَيِّقُ عَلَيْهِ قَبْرُهُ وَ الثَّلَاثَةُ تَكُونُ الظُّلْمَةُ فِي قَبْرِهِ وَ أَمَّا اللَّوَاتِي تُصَيَّبُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ فَأُولَاهُنَّ أَنْ يُوَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا يَسِيحُ بِهِ عَلَى وَجْهِهِ وَ الْخَلَائِقُ يَنْظُرُونَ

ص: ۳۸

إِلَيْهِ وَالثَّانِيَةَ يُحَاسِبُ حِسَابًا شَدِيدًا وَالثَّلَاثَةَ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَلَا يُرَكِّبُهُ وَ لَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ. (۱)

سرور زنان، فاطمه، دختر سرور پیامبران که درودهای خداوند بر او و پدر و شوی و پسران اوصیای او باد، از پدر بزرگوارش حضرت محمد صلی الله علیه و آله پرسید: ای پدر جان! سزای مردان و زنانی که نماز را سبک بشمارند، چیست؟ فرمود: ای فاطمه، هر کس چه مرد باشد و چه زن، نمازش را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده مصیبت گرفتار می نماید: شش گرفتاری در سرای دنیا، و سه گرفتاری هنگام مرگ، و سه گرفتاری در قبرش، و سه گرفتاری در قیامت هنگام بیرون آمدن از قبر.

مصیبت هایی که در دنیا بدان مبتلا می گردد عبارت اند از:

۱. خداوند، خیر و برکت را از عمر او برمی دارد.
 ۲. خداوند، خیر و برکت را از روزی اش برمی دارد.
 ۳. خداوند عزوجل نشانه صالحان را از چهره او محو می فرماید.
 ۴. در برابر اعمالی که انجام داده پاداش داده نمی شود.
 ۵. دعای او به سوی آسمان بالا نمی رود و مستجاب نمی گردد.
 ۶. هیچ بهره ای در دعای بندگان شایسته خدا نداشته و مشمول دعای آنان نخواهد بود.
- و مصائبی که هنگام مرگ به او می رسد بدین ترتیب است:

۱. با حالت خواری و زبونی جان می دهد.

ص: ۳۹

۲. گرسنه می میرد.

۳. تشنه جان می سپارد، به گونه ای که اگر آب تمام رودخانه های دنیا را به او بدهند، سیراب نگشته و تشنگی اش برطرف نخواهد شد.

و مصیبت هایی که در قبرش بدان گرفتار می گردد، بدین قرار می باشد:

۱. خداوند فرشته ای را بر او می گمارد تا او را در قبر نگران و پریشان نموده و از جایش برکند.

۲. خداوند گور را بر او تنگ می گرداند.

۳. قبرش تاریک می شود.

و مصائبی که در روز قیامت، هنگام بیرون آمدن از قبر، بدان مبتلا می شود، عبارت است از:

۱. خداوند فرشته ای را بر او می گمارد تا در حالی که مردم به او می نگرند، او را به رو بر زمین بکشد.

۲. سخت از او حساب می کشند.

۳. خداوند هرگز نظر رحمت به او ننموده، از بدی ها پاکیزه اش نمی گرداند، و برای او عذاب دردناکی خواهد بود.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أُهْدِيَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَاقَتَانِ عَظِيمَتَانِ فَجَعَلَ إِحْدَاهُمَا لِمَنْ يُصَلِّي رُكْعَتَيْنِ لَمْ يَكُنْ فِيهِمَا بَشَى مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ سِوَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَعْطَاهُ كِلْتَابَهُمَا. (۱)

ص: ۴۰

روزی دو شتر بزرگ به رسول الله صلی الله علیه و آله هدیه شد. آن حضرت رو به اصحاب کرد و فرمود آیا در بین شما کسی هست که دو رکعت نماز را خالصانه برای خدای عز و جل به جای آورد و قلبش فقط متوجه الله باشد و از کار دنیا چیزی در قلبش خطور نکند و در ذهنش راه نیابد، تا یکی از دو شتر را به او بدهم. علی علیه السلام برخاست و به نماز ایستاد. وقتی نماز را به پایان رسانید... رسول الله صلی الله علیه و آله هر دو شتر را به علی علیه السلام عطا فرمود. (۱)

۵. توجه به عنایت خداوند به نماز گزار

از دیگر مواردی که اهمیت نماز را برای نماز گزار بیش از پیش جلوه گر می کند، توجه به عنایات پروردگار به نماز گزار است.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِلْمُصَلِّي ثَلَاثُ خِصَالٍ مَلَائِكَةٌ حَافِينَ مِنْ قَدَمَيْهِ إِلَى أَعْنَانِ السَّمَاءِ وَالْبُرِّ يُنْتَبِهُ عَلَيْهِ مِنْ رَأْسِهِ إِلَى قَدَمَيْهِ وَ مَلَكٌ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ يَسَارِهِ فَإِنْ التَّفَتَ قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيَّ خَيْرٌ مِنِّي تَلْتَفَتُ يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّي مَنْ يُنَاجِي مَا انْفَتَلَ. (۲)

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: چون نماز گزار به نماز می ایستد، برای او سه خصلت است: فرشتگانی او را از جای پاهایش تا آسمان احاطه می کنند، و از آسمان بر فرق سرش رحمت و نیکی فرو می ریزد و فرشته ای از سمت راست و چپ بر او گماشته می شود. در این حال اگر نماز گزار توجه خود را از

ص: ۴۱

۱- [۱]. مشروح روایت در کتاب البرهان فی تفسیر القرآن؛ بحرانی؛ سیدهاشم بن سلیمان؛ ج ۵ ص ۱۴۹، ملاحظه شود.

۲- [۲]. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۷، ص ۲۸۹.

دست بدهد خدای تبارک و تعالی ندا می دهد: بهتر از من کسی را یافته ای که به او توجه می کنی؟ اگر نماز گزار می دانست با چه کسی مشغول مناجات است خسته و آزرده نمی شد.

عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ قَالَ بَعِيدَ مَا ذَكَرَ فَضَلَ الصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ الْمَسْجِدِ النَّبِيِّ وَ أَفْضَلُ مِنْ هَذَا كُلِّهِ صِلَاءَهُ يُصَلِّيَهَا الرَّجُلُ فِي بَيْتِهِ حَيْثُ لَا يَرَاهُ إِلَّا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَطْلُبُ بِهَا وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى يَا أَبَا ذَرٍّ مَا دُمْتَ فِي صَلَاةٍ فَإِنَّكَ تَقْرَعُ بَابَ الْمَلِكِ وَ مَنْ يُكَيِّزُ قَرَعَ بَابَ الْمَلِكِ يُفْتَحُ لَهُ يَا أَبَا ذَرٍّ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَقُومُ إِلَى الصَّلَاةِ إِلَّا تَنَاطَرَتْ عَلَيْهِ الْبُرُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْعَرْشِ وَ وُكِّلَ بِهِ مَلَكٌ يُنَادِي يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ تَعَلَّمْ مَا لَكَ فِي صَلَاتِكَ وَ مَنْ تَنَاجَى مَا سَمِعَتْ وَ لَا التَّتَمَّتْ. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفارشاتشان به ابوذر پس از آنکه فضیلت نماز گزاردن در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله را بیان کردند فرمودند: از همه این ها بهتر نماز مستحبی است که انسان در خانه خود، آنجا که جز خدا کسی او را نمی بیند، خالصانه به جای می آورد. ابوذر! مادامی که در نمازی، در خانه پادشاه عالم را می کوبی و آن که در خانه پادشاه را بسیار بکوبد، در بر او گشوده می شود. ابوذر! هیچ مؤمنی به نماز نمی ایستد مگر این که ما بین عرش تا سرش، نیکی ریزش می کند و فرشته ای بر او گمارده می شود که بانگ برآورد: ای فرزند آدم اگر می دانستی چه بهره ای از نماز داری و با چه کسی مشغول مناجات هستی خسته و آزرده نمی شدی.

ص: ۴۲

وَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا قَامَ الرَّجُلُ إِلَى الصَّلَاةِ أَقْبَلَ إِلَيْهِ إِبْلِيسُ يَنْظُرُ إِلَيْهِ حَسَدًا لِمَا يَرَى مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ الَّتِي تَغْشَاهُ. (۱)

حضرت امام علی علیه السلام فرمودند: هنگامی که شخصی به نماز می ایستد، چنان رحمت خداوند سر تا پای وجودش را می گیرد که حسادت شیطان برانگیخته می شود و شیطان با حسادت به او می نگرَد.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا اسْتَقْبَلَ الْمُصَلِّيَ الْقِبْلَةَ اسْتَقْبَلَ الرَّحْمَنَ بِوَجْهِهِ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ. (۲)

امام باقر علیه السلام می فرمایند: چون نماز گزار رو به قبله کند، به سوی خداوند رحمان که جز او معبودی نیست، روی نموده است.

۶. توجه به حالات پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه D و اهتمام ایشان به نماز

از دیگر مواردی علیه السلام که اهمیت نماز را برای ما آشکار می کند، توجه به اهتمام ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه □ به نماز است.

یک. پیامبر صلی الله علیه و آله

وَقَالَتْ عَائِشَةُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُحَدِّثُنَا وَنُحَدِّثُهُ فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَكَأَنَّهُ لَمْ يَعْرِفْنَا وَ لَمْ نَعْرِفْهُ. (۳)

ص: ۴۳

۱- [۱]. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۹، ص ۲۰۷.

۲- [۲]. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۹، ص ۲۱۹.

۳- [۳]. همان؛ ج ۸۱، ص ۲۵۸.

عایشه گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله با ما مشغول سخن گفتن بود، و ما با او سخن می گفتیم. همین که موقع نماز می شد، او را حالتی دست می داد که گویی نه او ما را می شناسد، و نه ما او را می شناسیم.

دو. امیرالمؤمنین علیه السلام

ذَكَرَ مُصَيَّبُ بْنُ كَثِيرٍ كِتَابَ الْوَلُؤِيَّاتِ فِي بَابِ الْخُشُوعِ قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَضَرَ وَقْتُ الصَّلَاةِ يَتَزَلُّوْنَ وَيَتَلَوْنَ فَيَقَالُ لَهُ مَا لَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَيَقُولُ جَاءَ وَقْتُ أَمَانِهِ اللَّهُ الَّتِي عَرَضَهَا عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ فَلَا أَدْرِي أَحْسِنُ أَدَاءً مَا حُمِّلْتُ أَمْ لَا. (۱)

نویسنده کتاب ولویات در باب خشوع نوشته است: علی بن ابی طالب علیه السلام هر گاه وقت نماز می رسید، بر خود می لرزید و رنگ به رنگ می شد. از آن حضرت پرسیدند: ای امیر المؤمنین! شما را چه می شود؟ می فرمود: وقت [ادای] امانت خدا فرا رسیده است؛ همان امانتی که خداوند به آسمان ها و زمین عرضه کرد و آنها از برداشتن آن امتناع کرده، ترسیدند ولی انسان آن را برداشت. و من نمی دانم آیا امانتی را که به عهده دارم نیکو، ادا خواهم کرد یا نه؟

سه. فاطمه سلام الله علیها

قال النبي صلى الله عليه وآله: وَ أَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِيِّينَ وَالْآخِرِينَ وَ هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ هِيَ ثَمَرَةٌ فُوَادِي وَ هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي وَ هِيَ الْحُورَاءُ الْإِنْسِيَّةُ مَتَى قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَي رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ زَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ يَا مَلَائِكَتِي

ص: ۴۴

انظروا إلى أمّتي فاطمة سيّده إمامي قائمه بين يديّ تزتعد فرائضها من خيفتي وقد أقبلت بقلبها على عبادتي أشهدكم أنّي قد
آمنت شيعتها من النار. (١)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه دختر من برترین زنان از اولین تا آخرین آنهاست. فاطمه پاره تن من است. فاطمه نور دو چشم من است. فاطمه میوه قلب من است. فاطمه روح و جان من است. فاطمه حوریه ای است که به قیافه انسان در آمده است. هنگامی که فاطمه در مقابل پروردگار خود در میان محراب عبادت می ایستد، نور او برای ملائکه آسمان نظیر نور ستارگان برای اهل زمین می درخشد. خداوند به ملائکه خود می فرماید: ای ملائکه من! به فاطمه که برترین کنیزان من است، نظر کنید که چگونه در مقابل من قرار گرفته است. اعضا و جوارح او از خوف من می لرزد. فاطمه با توجه قلبی مشغول عبادت من شده است. من شما را شاهد می گیرم که شیعیان وی را از آتش ایمن می دارم.

چهار. امام حسن علیه السلام

قال الصادق عليه السلام حدّثني أبي عن أبيه عليه السلام أنّ الحسن بن عليّ بن أبي طالب عليه السلام كان أعبد الناس في زمانه
و أزهدهم و أفصلهم و... و كان إذا قام في صلاته تزتعد فرائضه بين يديّ ربه عزّ و جلّ و كان إذا ذكر الجنة و النار اضطرب
اضطراب السليم و سأل الله الجنة و تعوذ به من النار. (٢)

ص: ٤٥

١- [١]. همان، ج ٢٨، ص ٣٧.

٢- [٢]. علامه مجلسی؛ بحار الانوار، ج ٤٣، ص ٣٣١.

امام صادق علیه السلام از پدر و ایشان از پدرانشان علیه السلام نقل می کنند: امام حسن بن علی علیه السلام عابدترین و زاهدترین و فاضل ترین مردم در روزگار خود بود. اگر به حج می رفت با پای پیاده و چه بسا با پای برهنه می رفت. هر گاه به یاد مرگ می افتاد، گریه می کرد. وقتی برانگیخته شدن در قیامت را به یاد می آورد، گریه می کرد. به یاد گذشتن از صراط که می افتاد، گریه می کرد و آنگاه که به یاد عرضه اعمال در برابر ذات اقدس الهی می افتاد، نعره ای می زد و خاموش می شد. وقتی در برابر پروردگار عزیز و جلیلش به نماز می ایستاد، گوشت های دو پهلویش می لرزید و هر وقت بهشت و جهنم را یاد می کرد مانند انسان مارگزیده، به اضطراب می آمد. از خدا آرزوی بهشت می کرد و از جهنم به او پناه می برد.

پنج. امام زین العابدین علیه السلام

وَ رَوَى الْكَلْبِيُّ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ كَانَ أَبِي يَقُولُ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ كَأَنَّهُ سَاقُ شَجَرَةٍ لَا يَتَحَرَّكُ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا مَا حَرَّكَتِ الرِّيحُ مِنْهُ. (۱)

امام صادق علیه السلام : پدرم می فرمود: علی بن الحسین علیه السلام هر گاه به نماز می ایستاد، به ساقه درختی می ماند که اصلاً تکان نمی خورد مگر قسمت هایی از آن که باد تکان می دهد.

ص: ۴۶

شش. امام باقر و امام صادق علیه السلام

عَنْ أَبِي أَيُّوبَ قَالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَا إِلَى الصَّلَاةِ تَغَيَّرَتْ أَلْوَانُهُمَا حُمْرَةً وَ مَرَّةً صُفْرَةً كَأَنَّمَا يُنَاجِيَانِ شَيْئًا يَرِيَانِهِ. (۱)

از ابو ایوب نقل شده است: امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام هر گاه به نماز بر می خاستند، رنگشان تغییر می کرد؛ گاهی سرخ و گاهی زرد می شدند، گویی با کسی مناجات می کنند که او را می بینند.

۷. تقویت اعتقاد به قیامت

عامل دیگری که اهمیت نماز را در نگاه نماز گزار بیشتر می کند، اعتقاد به معاد و تقویت این اعتقاد است.

قال الله تعالى: و استعينوا بالصبر و الصلوة و انّها (أى الصلوة) لكبيره (عظيمه ثقيله) إلا على الخاشعين، الذين يظنون أنّهم ملاقوا ربّهم و أنّهم إليه راجعون. (۲)

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: از شکیبایی و نماز یاری جوئید؛ و به راستی این [کار] گران است، مگر بر فروتنان. همان کسانی که می دانند با پروردگار خود دیدار خواهند کرد؛ و به سوی او باز خواهند گشت.

ص: ۴۷

۱- [۱]. همان، ۲۴۸، ص ۲۲۶.

۲- [۲]. بقره: ۴۵-۴۶.

پس از آنکه اهمیت نماز روشن شد و نماز، کاری مهم، بلکه مهم ترین کار برایمان جلوه نمود، خودبه خود در صدد تکمیل آن برمی آییم؛ به گونه ای که ثمره آن " که نهی از فحشاء و منکر است " عملی شود و غرض اصلی آن که " یاد خداست " تحقق پذیرد. در این بخش به بیان راه حل مشکل دوم نمازهایمان می پردازیم و در راستای حل این مشکلی که " نمازهای ما ناقص است "، راه های زیر را می توان از فرمایش های معصومین b استفاده کرد:

۱. فراگیری احکام نماز

یادگرفتن و رعایت کردن احکام نماز از قبیل واجبات، ارکان، مبطلات، مقدمات و اموری از این قبیل، شرط اساسی گام نهادن در فضای تکمیل است، چرا که بدون اینها ممکن است نماز، به مرحله صحت هم نرسد تا بتوان از کمال آن هم سخن گفت.

۲. رعایت آداب ظاهری نماز

رعایت آداب ظاهری نماز، ما را بیش از پیش کمک می کند تا نماز کاملی بخوانیم. فراموش نکنیم که نکته اصلی روایت حماد (که مورد نکوهش امام

صادق علیه السلام قرار گرفت) توجه به آداب ظاهری نماز بود. از آداب نماز می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. انتخاب مکان مناسب؛

ب. انتخاب لباس مناسب؛

ج. پرهیز از حرکت های اضافی (که منافی با حضور در محضر رب العالمین است)

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعَاءِ قَالَ وَ لَا يَعْجَبُ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ بِلِحْيَتِهِ وَ لَا بِمَا يَشْغَلُهُ عَنْ صَلَاتِهِ. (۱)

در حدیثی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است: مرد نباید هنگام نماز، با ریشش یا هر چیزی که او را از نماز باز می دارد، بازی کند.

د. پرهیز از نماز در حالت کسالت

خداوند در قران کریم می فرماید: "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ." (۲) گفتنی است "سکر" در آیه مذکور به "مستی خواب" نیز تفسیر شده است. عن أبي اسامه زيد الشحام، قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: قول الله عز و جل: "لا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى" فقال: "سکر النوم" (۳) زید شحام گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: نظرتان درباره این قول خداوند عز و جل که می فرماید: در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، چیست؟ حضرت فرمودند: مراد، مستی خواب است.

ص: ۵۰

۱- [۱]. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۷، ص ۲۶۱.

۲- [۲]. نساء: ۴۳.

۳- [۳]. بحرانی؛ سیدهاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، ص ۸۱؛ به نقل از: شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۲۹۹.

"إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاؤْنَ النَّاسَ وَلا يُذَكَّرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا (۱)": منافقان همواره با خدا نیرنگ می کنند، و حال آنکه خدا کیفر دهنده نیرنگ آنان است؛ و هنگامی که به نماز می ایستند، باکسالت می ایستند، و همواره در برابر مردم ریاکاری می کنند و خدا را جز اندکی به یاد نمی آورند.

فی حدیث المعراج: يَا أَحْمَدُ عَجِبْتُ مِنْ ثَلَاثَةِ عِبِيدٍ؛ عَبْدٌ دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ وَهُوَ يَعْلَمُ إِلَى مَنْ يَرْفَعُ يَدَيْهِ وَقَدَامَ مَنْ هُوَ وَهُوَ يَنْعَسُ

در حدیث معراج آمده است: ای احمد! از سه بنده در شگفتم: [اولی] بنده ای که به نماز می ایستد و می داند دست به سوی چه کسی برمی دارد و در برابر چه کسی ایستاده است، اما خواب آلود است

ه. توجه نکردن به راست و چپ

رَوَى مُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ مَنْ عَرَفَ مَنْ عَلَى يَمِينِهِ وَشِمَالِهِ مُتَعَمِّدًا فِي الصَّلَاةِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ. (۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر که در نماز کاری کند که بدانند در طرف راست و چپ او کیست، نمازش درست نیست.

وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ مُقْبِلٌ عَلَى الْعَبْدِ مَا لَمْ يَلْتَفِتْ. (۳)

ص: ۵۱

۱- [۱]. نساء: ۱۴۲.

۲- [۲]. همان، ج ۸۱، ص ۲۲۶.

۳- [۳]. همان، ج ۸۱، ص ۲۶۱.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: تا زمانی که بنده التفات [و توجه به غیر خدا] نکند، خداوند رو به او دارد.

عَلَيْ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْإِلْتِفَاتُ فِي الصَّلَاةِ اخْتِلَاسٌ مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِيَّاكُمْ وَالْإِلْتِفَاتُ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّ اللَّهَ مُقْبِلٌ عَلَي الْعَبْدِ إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ فَإِذَا التَّفَتَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا ابْنَ آدَمَ عَمَّنْ تَلْتَفِتُ ثَلَاثَةَ ثَلَاثَةٍ فَإِذَا التَّفَتَ الرَّابِعَةَ أَعْرَضَ اللَّهُ عَنْهُ. (۱)

امام علی علیه السلام فرمودند: التفات [و توجه به غیر خدا] در حال نماز، دست بردی از جانب شیطان است. پس، از توجه به غیر خدا در حال نماز بپرهیزید؛ زیرا هرگاه بنده به نماز بایستد، خداوند تبارک و تعالی به او رو می کند، و چون بنده به این سو و آن سو توجه کند، خداوند تبارک و تعالی فرماید: ای فرزند آدم! از که روی می گردانی؟! _ تا سه مرتبه _ و چون برای چهارمین بار بنده به غیر خدا توجه کرد، خداوند نیز از او روی می گرداند.

۳. افزایش حضور قلب با برطرف کردن موجبات حواس پرتی

از دیگر عوامل کامل کردن نماز، افزایش حضور قلب است. و حضور قلب بدون تلاش برای برطرف کردن موجبات حواس پرتی، حاصل نمی شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: لایقبل الله صلوه عبد لایحضر قلبه مع بدنه (۲).

خداوند نماز بنده ای را که دلش در کنار بدنش حضور ندارد، نمی پذیرد.

إِنَّ الْعَبْدَ لِيَصَلِّيَ الصَّلَاةَ لِيَكْتَبَ لَهُ سُدْسُهَا وَلَا عُشْرَهَا وَإِنَّمَا يَكْتَبُ لِلْعَبْدِ مَنْ صَلَوْتَهُ مَا عَقَلَ مِنْهَا (۳).

ص: ۵۲

۱- [۱]. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۷، ص ۲۸۸.

۲- [۲]. بحار الانوار؛ ج ۸۱، ص ۲۴۲.

۳- [۳]. بحار الانوار؛ ج ۸۱، ص ۲۴۹.

[گاه] بنده نماز می خواند، اما یک ششم و یک دهم آن هم برایش نوشته نمی شود؛ تنها آن مقدار از نماز بنده به حساب می آید که با توجه همراه باشد.

معنای حضور قلب

"حضور قلب" یعنی انسان بدانند مشغول چه کاری است و با توجه کامل آن را انجام دهد؛ یعنی فقط به کاری که انجام می دهد، توجه داشته باشد و نسبت به امور دیگر، بی توجه باشد. گفتنی است در روایات تعبیر "یعلم ما یقول فیهما": بدانند در نماز چه می گویند و تعبیر "لم یحدث فیهما بشی من امور الدنیا": به کاری از امور دنیا در نمازش فکر نکنند، وارد شده است.

چند تذکر

در حضور قلب، حتی موقع انجام یک بخش نباید ذهن نمازگزار متوجه بخش های دیگر باشد؛ مثلاً موقع قرائت، نباید به رکوع فکر کند.

اینکه گفته می شود: برای حضور قلب، به معانی نماز توجه کنید، یعنی الفاظ را به قصد و با اراده جدی بگویید، نه اینکه یک بار عربی را بخوانید و در ذهن ترجمه را هم مرور کنید (یکی از بزرگان به کسی که گفته بود در نماز به معانی آن فکر می کنم، فرموده بودند: پس کی نماز می خوانی!). مثلاً بخش اول سوره مبارکه حمد را واقعاً به قصد ستایش خداوند متعال به زبان جاری کند و در بخش دوم، حقیقتاً از خداوند درخواست هدایت نماید و

نگرانی خود را از مورد غضب خدا واقع شدن و گمراه گشتن ابراز نماید. و در تشهد، واقعاً به وحدانیت خدا و رسالت و بندگی پیامبر صلی الله علیه و آله گواهی دهد.

نماز، از اذکار و افعالی تشکیل شده است که هر دو، معنا دار هستند. معنی دار بودنِ الفاظ، روشن است. ولی برای فهم معنا دار بدون افعال نماز، توجه به "اسرارالصلاه" و مطالعه کتاب هایی در این زمینه لازم است.

راههای تحصیل حضور قلب

باید توجه داشت که کسب حضور قلب مانند کسب یک مهارت، نیاز به تلاش دارد نه اینکه با ذکر و وردی انجام شود؛ و توقع حصول دفعی آن در هر شرایطی دور از واقعیت است. در ادامه به برخی از راه های تحصیل حضور قلب، اشاره می کنیم:

الف. مهم ترین راه درخواست از خداوند متعال است. "رب اجعلنی مقيم الصلوه": ای پروردگار من، مرا برپا دارنده نماز گردان.

ب. افزایش معرفت: فهم اهمیت نماز و توجه به آنچه در باب اهمیت نماز گفته شد، می تواند موجب حضور قلب بیشتر شود؛ چون کاری که برای انسان مهم باشد، انسان آن را با توجه بیشتر انجام می دهد، بلکه در هنگام کارهای دیگر هم حواسش به آن است؛ بنابراین اگر اهمیت نماز روشن شود، انسان در موقع کارهای دیگر هم، متوجه نماز خواهد بود: "خوشا آنان که دائم در نمازند!". شاهدش همان است که در نماز، کارهایی که برای ما مهم است، حواسمان را پرت می کند و ما را به خود مشغول می کند.

ج. ترک گناه: گناه کردن، ترک نمودن سیر بندگی است. بنابراین کسی که از گناه پرهیز کند، همیشه در سیر بندگی در حرکت است. در نتیجه، نماز هم ادامه سیر معمولی او خواهد بود و برای ورود به آن، نیاز به زحمت چندانی ندارد.

د. برطرف کردن موجبات حواس پرتی، مثل بی نظمی اگر کارهای انسان منظم باشد، موقع نماز می داند که فعلاً تنها کارش نماز است. ولی وقتی نامنظم باشد، اگر روحانی است، موقع نماز به فکر تهیه مطلب برای منبر خویش است، و اگر خانه دار است، به فکر تهیه غذا و نوع آن و ... است، و اگر دانش آموز است، فکر تکلیف و امتحان را می کند. یعنی بی نظمی انسان، راه را برای ورود شیطان باز می کند.

رُوی عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّ الْعَبْدَ إِذَا اشْتَعَلَ بِالصَّلَاةِ جَاءَهُ الشَّيْطَانُ وَقَالَ لَهُ اذْكُرْ كَذَا اذْكُرْ كَذَا حَتَّى يُضِلَّ الرَّجُلَ أَنْ يَدْرِيَ كَمْ صَلَّى. (۱) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر گاه بنده مشغول نماز شود، شیطان نزد او می آید و به وی می گوید: فلان چیز را به خاطر بیاور، بهمان چیز را به یاد بیاور، تا جایی که فرد یادش می رود چند رکعت خوانده است.

از دیگر موجبات حواس پرتی، صحبت کردن با دیگران، مشاهده تلویزیون، خواندن اخبار و نظیر اینها چند لحظه قبل از نماز است؛ چون اگر نفس آدمی تا قبل از گفتن تکبیرها الحرام مشغول این امور باشد، مشکل می تواند هنگام نماز متوجه خدا گردد.

ص: ۵۵

ه. مراقبت مستمر در شبانه روز؛ یعنی مراقب باشیم کارهایی را که ممکن است مشغولیت فکری بر ایمان درست کند، انجام ندهیم، و به طور کلی از امور بیهوده و لغو روی گردان باشیم و آیات آغازین سوره مبارکه مؤمنون را از یاد نبریم که خداوند متعال فرموده است: "قد افلح المؤمنون، الذین هم فی صلواتهم خاشعون و الذین هم عن اللغو معرضون". مشاهده بسیاری از برنامه های تلویزیون می تواند از نمونه های امور بیهوده و لغو شمرده شود.

و. مقدمات نماز مانند وضو را با توجه انجام دادن.

ز. توسل همیشگی و هنگام شروع نماز به امام زمان علیه السلام: "بکم تُقَبَلُ الطاعه المفترضه".

ح. انصراف قلب از غیر خدا به مجرد التفات؛ یعنی پرهیز از انصراف اختیاری. در مواردی که ذهن به صورت ناخودآگاه متوجه مطلبی می شود و به فکر و اندیشه در مورد آن مشغول می شود، به مجرد توجه و التفات، انسان اندیشه مذبور را قطع کند و به نماز برگردد. (۱)

۴. نماز اول وقت

یکی دیگر از راه کارهای کمال بخشی به نماز، اقامه آن در اول وقت است.

ص: ۵۶

۱- [۱]. نقل است شخصی همیشه در عالم رؤیا، مسابقات فوتبال را در خواب می دید، نزد بزرگی آمد و چاره طلب نمود. آن بزرگ گفت: موقع خواب فلان ذکر را بگو تا از دیدن اینگونه خواب ها در امان بمانی. شخص مزبور پاسخ داد: آخر امشب فینال است، نمی توانم از آن چشم پوشی کنم!! . در حال نماز، نماز گزار نباید به این فکر باشد که مطالب غیر نماز را به سرانجام برساند.

"فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ"^(۱) پس وای بر نمازگزاران که از نمازشان غافل و نسبت به آن سهل انگارند.

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعِمِائَةِ قَالَ لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ فَلَا يَشْغَلَنَّكُمْ عَنْ أَوْقَاتِهَا شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذَمَّ أَقْوَامًا فَقَالَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ يَعْنِي أَنَّ هُمْ غَافِلُونَ اسْتَهَانُوا بِأَوْقَاتِهَا.^(۲)

امام علی علیه السلام: هیچ کاری نزد خداوند عز و جل محبوبتر از نماز نیست. پس مبدا چیزی از امور دنیا شما را از اوقات نماز باز دارد؛ زیرا خداوند عز و جل مردمانی را نکوهیده و فرموده است: "آنان که از نمازشان غافلند"؛ یعنی از اوقات نماز غافل اند و به آن اهمیتی نمی دهند.

وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ فَضْلَ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا.^(۳)

امام صادق علیه السلام فرمودند: فضیلت اول وقت [نماز] بر آخر وقت، همچون فضیلت آخرت بر دنیا است.

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْلُ الْوَقْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ وَآخِرُهُ عَفْوُ اللَّهِ وَالْعَفْوُ لَا يَكُونُ إِلَّا مِنْ ذَنْبٍ.^(۴)

همچنین حضرت علیه السلام فرمودند: اول وقت [مایه] خشنودی خداست و آخر وقت [باعث] آمرزش خدا. یعنی آن که نمازش را به تأخیر انداخته است، تاثیر نمازش را کم کرده است.

ص: ۵۷

۱- [۱]. ماعون: ۴-۵.

۲- [۲]. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۴، ص ۱۱۳.

۳- [۳]. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۲۷۴.

۴- [۴]. شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۱، ص ۲۱۷.

از دیگر عواملی که موجب می شود انسان نمازش را کامل تر به جا آورد، توجه به اسرار نماز است.

همه عبادات و از جمله نماز، دارای اسراری هستند که به بعضی از آنها در کتاب های آداب الصلاه و اسرار الصلاه اشاره شده و بیان آنها از توان و حوصله این نوشته خارج است. مثلاً در فلسفه وضو چنین آمده است: "إنما الوضوء حد من حدود الله ليعلم الله من يطيعه و من يعصيه".

عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ الرَّضَا قَالَ: إِنَّمَا أُمِرَ بِالْوُضُوءِ وَ بُدِيَ بِهِ لِأَنَّ يَكُونَ الْعَبْدُ طَاهِرًا إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ عِنْدَ مُنَاجَاتِهِ إِيَّاهُ مُطِيعًا لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ نَقِيًّا مِنَ الْأَذْنَانِ وَ النَّجَاسَةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنْ ذَهَابِ الْكَسَلِ وَ طَرْدِ النَّعَاسِ وَ تَرْكِيهِ الْفُؤَادِ لِلْقِيَامِ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ... (۱).

فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام چنین نقل می کند: همانا به وضو امر شده برای اینکه بنده وقتی در مقابل پروردگار جبار به مناجات می ایستد طاهر و پاکیزه باشد، مضافاً بر اینکه امر و فرمان او را که به منظور بر حذر ماندن از ناپاکی ها و نجاسات صادر شده، اطاعت کند. علاوه بر آن بدین وسیله کسالت و چرت از او برطرف گشته، قلب از ناپاکی ها تزکیه می گردد و [در نتیجه] بنده با طهارت جسم و قلب در مقابل پروردگار جبار می ایستد [و با او مناجات می کند].

توجه به دعاهای وارده هنگام وضو هم می تواند ما را به فلسفه اجزای وضو رهنمون شود:

ص: ۵۸

الف) انسان موقع دیدن آب، متوجه این نعمت عظیم و پاک کننده بودن آن می شود؛

ب) و در هنگام مضممه "اللهم لَقْنِي حُجَّتِي" می گوید و صحنه قیامت را ترسیم می کند؛

ج) و هنگام استنشاق، به یاد بهشت و جهنم می افتد و "اللهم لا تُحَرِّم عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ" می گوید؛

د) و در هنگام شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها، صحنه های دیگر قیامت را ترسیم می کند... (۱).

ص: ۵۹

۱- [۱]. شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۱، ص ۴۱. قَالَ الصَّادِقُ ۴ بَيْنَمَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ۴ ذَاتَ يَوْمٍ جِئْتُ مَعَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَفِيَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ أَنْتَنِي بِإِنَاءٍ مِنْ مَاءٍ أَتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ فَأَتَاهُ مُحَمَّدٌ بِالمَاءِ فَأَكْفَأَ بِيَدِهِ الِئْمَنِي عَلَى يَدِهِ الِئْسِرِي ثُمَّ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ المَاءَ طَهُورًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا قَالَ ثُمَّ اسْتَنْجَيْ فَقَالَ اللَّهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَ أَعِنِّي وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ حَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ قَالَ ثُمَّ تَمَضَّمْ فَقَالَ اللَّهُمَّ لَقْنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْقَاكِ وَ أَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ ثُمَّ اسْتَنَشَقَ فَقَالَ اللَّهُمَّ لِمَا تُحَرِّمُ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشْتَمُّ رِيحَهَا وَ رَوْحَهَا وَ طَيِّبَهَا قَالَ ثُمَّ غَسَلَ وَجْهَهُ فَقَالَ اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الوُجُوهُ وَ لَا تَسْوَدُ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُ فِيهِ الوُجُوهُ ثُمَّ غَسَلَ يَدَهُ الِئْمَنِي فَقَالَ اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَ الْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ بَيْسَارِي وَ حَاسِبِي حِسَابًا يَسِيرًا ثُمَّ غَسَلَ يَدَهُ الِئْسِرِي فَقَالَ اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بَيْسَارِي وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِي وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّي مِنْ مُقَطَّعَاتِ النَّيرانِ ثُمَّ مَسَحَ رَأْسَهُ فَقَالَ اللَّهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ ثُمَّ مَسَحَ رِجْلَيْهِ فَقَالَ اللَّهُمَّ تَبَتَّنِي عَلَى الصَّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الأَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَنَظَرَ إِلَى مُحَمَّدٍ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ تَوَضَّأَ مِثْلَ وُضُوئِي وَ قَالَ مِثْلَ قَوْلِي خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْ كُلِّ قَطْرَةٍ مَلَكًا يُقَدِّسُهُ وَ يُسَبِّحُهُ وَ يُكَبِّرُهُ فَيُكْتَبُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ثَوَابَ ذَلِكَ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ .

نماز جماعت یکی از کامل ترین شکل های نماز است. نماز گزار با حضور در مسجد و اهتمام به نماز جماعت می تواند نمازش را به درجه ای از کمال برساند که نماز فرادای در خانه در مقایسه با آن اصلاً نماز به حساب نیاید. در این میان آگاهی از اهمیت نماز جماعت بسیار راه گشا باشد.

اهمیت نماز جماعت

حَمَّادٌ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ الْفَضْلِ قَالَ قُلْنَا لَهُ الصَّلَاةُ فِي جَمَاعَةٍ فَرِيضَةٌ هِيَ فَقَالَ الصَّلَاةُ فَرِيضَةٌ وَ لَيْسَ الْجَمَاعَةُ بِمَفْرُوضٍ فِي الصَّلَاةِ كُلِّهَا وَ لَكِنَّهَا سُنَّةٌ وَ مَنْ تَرَكَهَا رَغْبَةً عَنْهَا وَ عَنْ جَمَاعَةِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ. (۱)

زراره و فضیل که از شخصیت های بسیار نزدیک به امام صادق علیه السلام هستند، می گویند: به حضرت عرضه داشتیم که آیا نماز را به جماعت گزاردن واجب است؟ حضرت در پاسخ فرمودند: اصل نماز واجب است ولی به جماعت گزاردنش واجب نیست؛ ولیکن مستحب است و چنان این مستحب مورد تأکید است که اگر کسی از روی بی اعتنایی به جماعت و اجتماع مؤمنان و بدون عذر آن را ترک کند، گویی اصلاً نماز نخوانده است.

(اینکه شبهه و جوب جماعت برای شخصیت هایی چون زراره فضیل مطرح بوده، حاکی از کمال اهمیت جماعت است).

عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ ... وَ فَضَّلُ صَيِّمًا الْجَمَاعَةَ عَلَى صَيِّمِ الرَّجُلِ فَذَا (فردا) خَمْسٌ وَ عَشْرُونَ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ. (۲)

ص: ۶۰

۱- ۱. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۳۷۲.

۲- [۲]. همان.

جابر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که حضرت فرموده اند: نماز جماعت در بهشت، بیست و پنج درجه بالاتر از نماز فرادا است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَمَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَيُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ مَاتَ وَهُوَ عَلَى ذَلِكَ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَعُودُونَ فِي قَبْرِهِ وَيُبَشِّرُونَهُ وَيُؤْنِسُونَهُ فِي وَحْدَتِهِ وَيَسْتَعْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يُبْعَثَ. (۱)

پیامبر خدا علیه السلام فرمودند: هر که برای شرکت در نماز جماعت به مسجدی رود، برای هر قدمی که برمی دارد، هفتاد هزار حسنه منظور شود و به همان اندازه درجاتش بالا می رود و اگر در آن حال بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته می گمارد که در قبرش به عیادت او روند و انیس تنهایی او باشند و تا زمانی که برانگیخته شود، برایش آمرزش طلبند.

چند نکته درباره نماز جماعت

۱. همسایه مسجد و کسی که صدای اذان را می شنود، باید نسبت به نماز جماعت عنایت بیشتری داشته باشد؛
۲. اهتمام به جماعت، در نماز صبح و مغرب و عشاء بیشتر مورد توصیه است؛ مستحب مؤکد است؛

ص: ۶۱

۱- [۱]. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۸، ص ۲۸۷.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ صَلَّى الْغَدَاةَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ فِي جَمَاعَةٍ فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مَنْ ظَلَمَهُ فَإِنَّمَا يَظْلِمُ اللَّهَ وَ مَنْ حَقَّرَهُ فَإِنَّمَا يُحَقِّرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ (۱): کسی که نماز صبح و نماز عشا را به جماعت بگزارد، در پناه خدای عز و جل خواهد بود و اگر کسی به او ستم نماید، به خدا ستم نموده است و هر کس او را کوچک بشمارد، خدای عز و جل را کوچک شمرده است؛

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: فَمَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ صَلَاةَ الْغَدَاةِ فِي الْمَسْجِدِ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهُ. (۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس نماز مغرب و عشا و نماز صبح را در مسجد به جماعت به جای آورد، مثل این است که تمام شب را به عبادت گزرانده باشد.

۳. در نماز جماعت، نزدیک به امام ایستادن، در صف اول ایستادن و در سمت راست صفوف ایستادن، مورد توصیه است؛

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَ أَفْضَلُ الصُّفُوفِ أَوْلَاهَا وَ أَفْضَلُ أَوْلَاهَا مَا دَنَا مِنَ الْإِمَامِ. (۳)

جابر از امام بار علیه السلام نقل کرده که فرمودند: صف های نخست جماعت از بقیه صفوف برترند و در صف های نخست، هر چه مأموم به امام نزدیکتر باشد از فضیلت بیشتری برخوردار است.

ص: ۶۲

۱- [۱]. همان، ص ۲۹۵.

۲- [۲]. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۶۶، ص ۳۶۹.

۳- [۳]. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۳۷۲.

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الصَّلَاةَ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَالْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (۱)

نماز در اول وقت قطعاً همچون جهاد در راه خدای عز و جل است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ مَنْ حَافِظَ عَلَى الصَّفِّ الْأَوَّلِ وَ التَّكْبِيرِ الْأَوَّلِيِّ لَا يُؤْذَى مُسَلِّماً أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا يُعْطَى الْمُؤَدَّنُونَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آنکه پیوسته در صف اول می ایستد و از آغاز نماز و هنگام تکبیره الاحرام با جماعت همراه می شود، بدون آنکه به مسلمانی آسیب برساند، خداوند پاداش اذان گویان در دنیا و آخرت را به او عطا فرماید.

عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: قَالَ فَضْلُ مَيَّامِنِ الصُّفُوفِ عَلَى مَيَّاسِرِهَا كَفَضْلِ الْجَمَاعَةِ عَلَى صَلَاةِ الْفَرْدِ. (۳)

سهل بن زیاد از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند: برتری طرف راست صفوف بر طرف چپ آنها همچون برتری نماز جماعت بر فرادا است.

۴. در نماز جماعت خوب است کسانی که شایستگی امامت دارند، در صف اول نزدیک امام بایستند.

عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ قَالَ لِيَكُنِ الَّذِينَ يَلْحَقُونَ الْإِمَامَ أَوْلَى الْأَخْلَامِ مِنْكُمْ وَ النَّهْيُ فَإِنَّ نَيْبَ الْإِمَامِ أَوْ نَعَايَا قَوْمُوهُ. (۴)

ص: ۶۳

۱- [۱]. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۸، ص ۳۰۷.

۲- [۲]. همان.

۳- [۳]. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۳۷۳.

۴- [۴]. همان، ص ۳۷۲. قوله علیه السلام: تعایا می العی و هو العجز و عدم الاهتداء لوجه المراد او منه بمعنی الجهل و عدم البیان و قال مخفق الشعرانی فی هامش الوافی: قوله تعایا قَوْمُوهُ ای: اذا لم يستطع او منی بعض كلمات القرآن فی القرائه ذكروه. (راجع الی الكافی- دارالحدیث- ج ۶، ص ۳۲۲).

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمودند: در کنار امام جماعت و نزدیک به او باید انسان های بالغ و برخوردار از عقل و درایت بایستند که اگر امام جماعت دچار نسیان و اشتباه شد او را متذکر سازند.

۷. اهتمام به تعقیبات

از دیگر مواردی که در کامل کردن نماز، نقش بسزایی دارد، خواندن تعقیبات است.

تعقیب چیست؟

در تعریف تعقیب آمده است: و هو الاشتغال عقیب الصلاه بالدعاء أو الذکر أو التلاوه أو غیرها من الأفعال الحسنه مثل التفکر فی عظمه الله و نحوه و مثل البکاء لخشیه الله أو للربغه إلیه و غیر ذلك و هو من السنن الأكیده و منافعہ فی الدین و الدنیا کثیره (۱): (تعقیب عبارت است از اینکه نماز گزار) پس از ادای نماز به دعا، ذکر، تلاوت قرآن و اموری از این قبیل همچون تفکر در عظمت خداوند، گریه از ترس او به خاطر اشتیاق به او، بپردازد. و تعقیب از مستحبات مؤکد است و منافع و آثار دنیوی و اخروی فراوانی دارد.

اهمیت تعقیب

همانگونه که گفته شد انجام تعقیبات یکی از مستحباتی است که تأکید فراوانی بر آن شده است و دارای بهره های دنیوی و اخروی فراوانی است.

ص: ۶۴

عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صِدْقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَمَا أَنَّ أَبِي يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ، إِذَا قَضَيْتَ الصَّلَاةَ بَعِيدًا أَنْ تُسَلِّمَ وَأَنْتَ جَالِسٌ فَانصَبْ فِي الدُّعَاءِ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ الدُّعَاءِ فَارْغَبْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَتَقَبَّلَهَا مِنْكَ. (١)

مسعده بن صدقه از امام باقر عليه السلام نقل کرده که فرمودند: پدرم درباره آیات "فإذا فرغت فانصب و إلى ربك فارغب"، می فرمود: هنگامی که نماز را به جا آوردی و از انجام آن فارغ شدی پس از نماز سلام، با همان حال نشسته خود را به دعا کردن درباره امور دنیا و آخرت مشغول ساز (و به زحمت انداز) و چون از دعا فارغ شدی به سوی خداوند عزوجل توجه کن که نمازت را قبول کند.

رَوَى شَيْخُ الطَّائِفَةِ فِي التَّهْذِيبِ بِسَيِّدِ صَيْحِيحِ عَيْنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ التَّغْقِيبُ أُنْبِغُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْبِلَادِ. (٢)

امام صادق علیه السلام فرمودند: اثر تعقیب در طلب نمودن و به دست آوردن روزی، از مسافرت کردن در شهرها بیشتر است.

عن ابی عبد الله علیه السلام: إن الله فرض الصلوات في أحبِّ الأوقات، فاسألوا حوائجكم عقيب فرائضكم.

ص: ٦٥

١- [١]. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ٦، ص ٤٢٩.

٢- [٢]. سید بن طاووس؛ مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله من الواجبات و المستحبات؛ ص ٦٤.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: خداوند نمازها را در بهترین زمان های شبانه روز بر شما واجب نموده است. پس (از فرصت استفاده کنید) و نیازهای خود را پس از نمازهای واجب از خداوند درخواست نمایید.

و قال صلی الله علیه و آله: من أدی لله مکتوبه، فله فی اثرها دعوه مستجابہ. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس نماز واجبی را برای خدا به جای آورد، پس از آن دعای مستجابی خواهد داشت.

احکام تعقیبات

(۲)

۱. تعقیب، بعد از نمازهای مستحب هم مستحب است، و اگرچه بر استحباب آن بعد از نمازهای واجب بیشتر تأکید شده است.

۲. تعقیب باید عرفاً متصل به نماز باشد. البته صدق "اتصال" به حسب مقامات مثل سفر و حضر و اضطرار و اختیار مختلف است؛ بنابراین در سفر و در حال اضطرار ممکن است اتصال، بر حالت سواره و پیاده هم صادق باشد.

ص: ۶۶

۱- [۱]. شیخ حرّ عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۶، ص ۴۳۱.

۲- [۲]. سید محمد کاظم یزدی؛ العروه الوثقی؛ ج ۱، ص ۷۰۳ (الظاهر استحبابه بعد النوافل أيضا و إن کان بعد الفرائض أكد و يعتبر أن یكون متصلاً بالفراغ منها غیر مشغول بفعل آخر ینافی صدقه الذی یختلف بحسب المقامات من السفر و الحضر و الاضطرار و الاختیار ففي السفر یمکن صدقه حال الركوب أو المشی أيضا كحال الاضطرار و المدار علی بقاء الصدق و الهیئه فی نظر المتشرعه و القدر المتیقن فی الحضر الجلوس مشغلاً بما ذکر من الدعاء و نحوه و الظاهر عدم صدقه علی الجلوس بلا دعاء أو الدعاء بلا جلوس إلا فی مثل ما مر و الأولى فیہ الاستقبال و الطهاره و الکیون فی المصلی و لا یعتبر فیہ کون الأذکار و الدعاء بالعربیه و إن کان هو الأفضل كما أن الأفضل الأذکار و الأدعیه المأثوره المذکوره فی کتب العلماء).

۳. ظاهراً تعقیب بر "نشستن بعد از نماز بدون دعا خواندن" یا "دعا کردن بدون نشستن در غیر حال سفر و اضطرار" صادق نیست.

۴. بهتر است انسان در حال تعقیب هم، رو به قبله و با طهارت باشد و ذکرها و دعاها را به عربی بگوید و دعاهای وارده را بخواند.

نمونه ای از تعقیبات وارده

۱. نماز گزار بعد از سلام نماز، سه بار تکبیر بگوید و دست هایش را همچون تکبیرهای دیگر بالا بیاورد.

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَأَيِّ عِلَّةٍ يُكَبِّرُ الْمُصَلِّي بَعْدَ التَّسْلِيمِ ثَلَاثًا يَرْفَعُ بِهَا يَدَيْهِ فَقَالَ لِأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا فَتَحَ مَكَّةَ صَلَّى بِأَصْحَابِهِ الظُّهْرَ عِنْدَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ فَلَمَّا سَلَّمَ رَفَعَ يَدَيْهِ وَكَبَّرَ ثَلَاثًا وَقَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعِيدُهُ وَنَصِيرَ عِيدُهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَا تَدْعُوا هَذَا التَّكْبِيرَ وَهَذَا الْقَوْلَ فِي دُبُرِ كُلِّ صِلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ بَعْدَ التَّسْلِيمِ وَقَالَ هَذَا الْقَوْلَ كَانَ قَدْ أَدَّى مَا يَجِبُ عَلَيْهِ مِنْ شُكْرِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى تَقْوِيَةِ الْإِسْلَامِ وَجُنْدِهِ. (۱)

مفضل بن عمر گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چرا نماز گزار پس از سلام نماز دستها را بالا می برد و سه مرتبه الله اکبر می گوید؟ حضرت در جواب فرمودند: چون پیامبر صلی الله علیه و آله پس از فتح مکه نماز ظهر را در کنار حجرالاسود با همراهی اصحاب به جا آوردند و پس از سلام نماز دستها را

ص: ۶۷

۱- [۱]. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۶، ص ۴۵۲.

بالا آورده سه مرتبه تکبیر گفتند و دعای "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ" تا آخر را خواندند، سپس رو به اصحاب نموده و فرمودند: مبدا پس از هر نماز واجب این تکبیر و دعا را ترک کنید، چرا که هر که پس از نماز به این تکبیر و دعا ملتزم باشد آنچه را که بر او واجب است یعنی شکرگزاری از خداوند به خاطر تقویت اسلام و لشکر اسلام، را به جا آورده است.

۲. تسبیح حضرت زهرا **h** افضل تعقیبات است.

عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَتْ تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: تسبیح فاطمه زهرا سلام الله علیها از جمله همان ذکر کثیر است که خداوند عز وجل فرموده است: "خدا را بسیار یاد کنید".

عَنْ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا عَبْدَ اللَّهَ بِشَيْءٍ مِنْ التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ لَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا (۲). امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند در مقام ستایش، به چیزی برتر از تسبیح حضرت فاطمه سلام الله علیها ستایش نشده است و اگر از این تسبیح چیزی برتر بود پیامبر صلی الله علیه و آله همان رابه فاطمه سلام الله علیها می بخشیدند.

عَنْ أَبِي خَالِدِ الْقَمَطِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةٍ أَلْفِ رَكَعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ... (۳)

ص: ۶۸

۱- [۱]. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۵۰۰.

۲- [۲]. همان، ج ۳، ص ۳۴۳.

۳- [۳]. الکافی؛ ج ۳، ص ۳۴۳، باب التعقیب بعد الصلاه والدعاء.

ابا خالد می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: گفتن تسبیح حضرت فاطمه سلام الله علیها در هر روز پس از هر نمازی نزد من از هزار رکعت نماز مستحبی در هر روز محبوب تر است.

عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَا أَبَا هَارُونَ إِنَّا نَأْمُرُ صَبِيَّانَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا كَمَا نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلَاةِ فَأَلْزَمَهُ فَإِنَّهُ لَمْ يُلْزِمَهُ عَبْدٌ فَشَقِيَ. (۱)

اباهارون می گوید امام صادق علیه السلام خطاب به من فرمودند: ما تسبیح فاطمه سلام الله علیها را همچون نماز به فرزندانمان توصیه می کنیم، پس تو هم حتماً به گفتن آن مقید باش، چرا که هر کس خود را ملزم به این تسبیح کند روی شقاوت را نمی بیند.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا ثُمَّ اسْتَغْفَرَ غُفِرَ لَهُ وَ هِيَ مِائَةٌ بِاللُّسَانِ وَ أَلْفٌ فِي الْمِيزَانِ وَ تَطْرُدُ الشَّيْطَانَ وَ تُزْضِي الرَّحْمَنَ. (۲)

امام باقر علیه السلام فرمودند: هر کس تسبیح فاطمه سلام الله علیها را بگوید و پس از آن استغفار کند، بخشیده می شود. تسبیح فاطمه سلام الله علیها در مقام گفتن، صد مرتبه است ولی در میزان عمل، هزار بار به حساب می آید و شیطان را می راند و موجب خوشنودی خداوند رحمان می شود.

فِي مَجْمَعِ الْبَيِّنَاتِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ مَنْ بَاتَ عَلَى تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا كَانَ مِنَ الذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَ الذَّاكِرَاتِ (۳).

ص: ۶۹

۱- [۱]. شیخ حرعاملی؛ وسائل الشیعه ج ۶، ص ۴۴۲، باب استحباب ملازمه تسبیح الزهراء.

۲- [۲]. همان.

۳- [۳]. شیخ حرعاملی؛ وسائل الشیعه ج ۶، ص ۴۴۲، باب استحباب ملازمه تسبیح الزهراء.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر زن و مردی که قبل از خواب، تسبیح فاطمه سلام الله علیها را بگوید، خداوند را بسیار یاد کرده و مشمول آیه شریفه ۳۵ سوره احزاب خواهد بود (یعنی آمرزیده می شود و اجر عظیمی خواهد داشت).

۳. گفتن سی یا چهل مرتبه تسبیحات اربعه از مصادیق باقیات صالحات و ذکر کثیر شمرده شده و موجب آمرزش گناهان و موجب استجاب دعا است. (۱)

فِي مَجْمَعِ الْبَيَانِ قَالَ رُوِيَ عَنْ أُمَّتِنَا ۶ أَنَّ مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ ثَلَاثِينَ مَرَّةً فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا. (۲)

مرحوم طبرسی ره در تفسیر شریف مجمع البیان فرموده است: امامان ما ۶ فرموده اند: هر کس تسبیحات اربعه را سی بار بگوید قطعاً خداوند را بسیار یاد کرده است [و به آیه "اذکروا الله ذکراً کثیراً" (۳) عمل کرده است].

عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّضْرِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَاعَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَرْبَعِينَ مَرَّةً فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ قَبْلَ أَنْ يَتَنَبَّأَ رَجُلِيهِ ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ أُعْطِيَ مَا سَأَلَ (۴).

ص: ۷۰

۱- [۱]. همان.

۲- [۲]. همان.

۳- [۳]. احزاب، ۴۰.

۴- [۴]. همان ص ۴۵۵.

حارث بن مغیره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: هر کس پس از هر نماز قبل از آنکه پاهایش را برگرداند، چهل بار تسبیحات اربعه بگوید و سپس از خداوند درخواست نماید، آنچه در خواست کرده به او عطا می شود.

عَنْ هِشَامِ بْنِ سَيَّالٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ صَلَّى صِلَاءَهُ مَكْتُوبَهُ ثُمَّ سَبَّحَ فِي دُبُرِهَا ثَلَاثِينَ مَرَّةً لَمْ يَنْبَقِ شَيْءٌ مِنَ الذُّنُوبِ عَلَى بَدَنِهِ إِلَّا تَنَاءَثَرَ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس پس از به جا آوردن نماز واجب سی مرتبه تسبیح بگوید، همه گناهانش فرو می ریزد (و آمرزیده می شود).

عَنْ حَمَادِ بْنِ عُمَيْرٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ۶ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ فِيهَا قَصِيرًا مِنْ يَاقُوتٍ أَحْمَرَ يُرَى بَاطِنُهُ مِنْ ظَاهِرِهِ لِضِيَائِهِ وَنُورِهِ وَفِيهِ قُبَّتَانِ مِنْ دُرٍّ وَزَبَرْجَدٍ فَقُلْتُ يَا جَبْرَيْلُ لِمَنْ هَذَا الْقَصِيرُ قَالَ هُوَ لِمَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ وَآدَمَ الصِّيَامَ وَأَطَعَمَ الطَّعَامَ وَتَهَجَّدَ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَفِي أُمَّتِكَ مَنْ يُطِيقُ هَذَا فَقَالَ أَتَدْرِي مَا إِطَابَهُ الْكَلَامُ فَقُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لِمَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَتَدْرِي مَا إِدَامَهُ الصِّيَامُ قُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ صَامَ شَهْرَ الصَّبْرِ شَهْرَ رَمَضَانَ وَلَمْ يُفْطِرْ مِنْهُ يَوْمًا أَتَدْرِي مَا إِطْعَمَهُ الطَّعَامُ قُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ طَلَبَ لِعِيَالِهِ مَا يَكْفِي بِهِ وَجُوهَ هُمْ عَنِ النَّاسِ أَتَدْرِي مَا التَّهَجُّدُ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ قُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ لَمْ يَنْمَ حَتَّى يُصَلِّيَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَالنَّاسُ مِنَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَغَيْرِهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ نِيَامٌ بَيْنَهُمَا (۲).

ص: ۷۱

۱- [۱]. همان، ص ۴۵۴.

۲- [۲]. علامه مجلسی ره؛ بحار الانوار؛ ج ۱۸، ص ۳۴۲.

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هنگام عروج به آسمان و در شب معراج وارد بهشت شدم و در بهشت قصری از یاقوت سرخ مشاهده کردم. یاقوت هایی که چنان شفاف و درخشان بود که درون قصر، از بیرون آن دیده می شد و دو گنبد از درّ و زبرجد داشت. به جبرئیل گفتم: این قصر از آن کیست؟ گفت: برای کسی که (چهار ویژگی داشته باشد):

- سخنش را پاکیزه کند؛

- پیوسته روزه دار باشد؛

- به دیگران غذا دهد؛

- و در دل شب که مردم خفته اند، به شب زنده داری و عبادت مشغول باشد.

علی علیه السلام می فرماید: به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: ای رسول خدا در بین امت شما کسی هست که چنین طاقت و توانی را داشته باشد؟! در پاسخ فرمودند: می دانی منظور از این چهار ویژگی چیست؟ عرض کردم خدا و رسولش داناترند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

منظور از پاکیزه بودن سخن این است که: "سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر" بگوید؛

و منظور از روزه داری پیوسته این است که: ماه رمضان را که ماه صبر و مقاومت است، به صورت کامل روزه بگیرد و حتی یک روز از آن را روزه خواری ننماید؛

و منظور از غذا دادن به دیگران این است که: نفقه عیالش را تأمین کند، به گونه ای که ایشان محتاج به دیگران نشوند؛

و منظور از تهجد شبانه این است که: تا زمانی که نماز عشاء خود را نخوانده، نخوابد و چون یهود و نصاری و مشرکان نباشد که چنین عبادتی دارند و در این فاصله می خوابند.

خواندن سی مرتبه تسبیحات بعد از نماز شکسته، فضیلت دو رکعت باقیمانده را دارد. امام رضا علیه السلام هر نمازی را که در سفر می گذارد و قصر می کرد بعد از اتمام نماز سی مرتبه میگفت: "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر" و می فرمود که این متمم نماز قصر است. (۱)

۴. لعن بر دشمنان دین.

جَمِيلٌ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا انْحَرَفْتَ عَنْ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ فَلَا تَنْحَرِفْ إِلَّا بِانْصِرَافٍ لَعْنِ بَنِي أُمَيَّةَ. (۲) امام باقر علیه السلام فرمودند: پس از نماز واجب، قبل از آنکه بنی امیه را لعن کنی از جای حرکت نکن (و حالت نماز را به هم نزن).

۵. خواندن سوره توحید.

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است: هر که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، باید که بعد از هر نماز واجب "قل هو الله احد" را ترک نکند. به

ص: ۷۳

۱- [۱]. عیون أخبار الرضا علیه السلام ؛ ترجمه آقاجفی؛ ج ۲، ص ۴۲۵.

۲- [۲]. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۶، ص ۴۶۲.

درستی هر که آن را بخواند، خدا خیر دنیا و آخرت را برای او جمع می کند و او و پدر و مادرش و هر که را از پدر و مادرش به هم رسیده، می آمرزد. (۱)

و در روایت دیگر، خواندن آن بعد از هر نماز، موجب ریزش رحمت از آسمان بر سرش و نزول سکینه و نظر رحمت افکندن خدا و آمرزش گناهان و برآورده شدن حاجات و در امان خدا بودن دانسته شده است. (۲)

۶. قرائت حمد، آیه "شهد الله"، "آیهالکرسی"، آیه "ملک"، بعد از هر نماز واجب. (۳)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَذِهِ الْآيَاتِ أَنْ يَهْبِطْنَ إِلَى الْأَرْضِ تَعَلَّقْنَ بِالْعَرْشِ وَقُلْنَ أَيُّ رَبِّ إِلَى أَيْنَ تَهْبِطُنَا إِلَى أَهْلِ الْخَطَايَا وَالذُّنُوبِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِنَّ أَنْ اهْبِطْنَ فَوَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَمَا يَتْلُو كُنَّ أَحَدٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَشِعْتِهِمْ فِي دُبُرٍ مَا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ مِنَ الْمَكْتُوبَةِ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِلَّا نَظَرْتُ إِلَيْهِ بَعَيْنِي الْمَكْنُونَةَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ نَظْرَةً أَقْضَى لَهُ فِي كُلِّ نَظْرَةٍ سَبْعِينَ حَاجَةً وَقَبْلَتُهُ عَلَى مَا فِيهِ مِنَ الْمَعَاصِي وَهِيَ أُمُّ الْكِتَابِ وَشَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ وَآيَةُ الْكُرْسِيِّ وَآيَةُ الْمُلْكِ. (۴)

امام صادق علیه السلام فرمودند: هنگامی قرار شد آیات زیر نازل شود، این آیات به عرش الهی متوجه شدند و به خداوند چنین عرضه داشتند که: پروردگارا ما را به کجا و به سوی چه کسانی می فرستی؟! به سوی خطاپیشگان و گناهکاران؟! خداوند (به ایشان بشارت داد) و چنین امر کرد کهک فرود آید

ص: ۷۴

۱- [۱]. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۶۲۲.

۲- [۲]. مجلسی ره؛ بحارالانوار؛ ج ۸۳، ص ۶۰ / در بیان عظمت سوره توحید، پیش از این روایاتی بیان شد.

۳- [۳]. آیه شهادت: آل عمران/۱۸؛ آیه الکرسی: بقره/۲۵۵؛ آیه ملک: آل عمران/۲۶.

۴- [۴]. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۶۲۰.

که به عزت و جلال خود سوگند یاد می‌کنم که هیچ کس از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله شیعیان ایشان شما را پس از نماز واجب خود تلاوت نخواهد کرد مگر اینکه من با چشم پنهان خود در هر روز هفتاد بار به او مینگریم و در هر نگاه هفتاد حاجت او را برآورده می‌سازم و او را با گناهانش می‌پذیرم، و آن آیات عبارتند از: سوره مبارکه حمد، آیه "شهادت"، "آیه الکرسی" و "آیه ملک" (۱).

۷. خواندن دعاهای وارده که هر کدام فضیلت و اثر ویژه ای دارد.

۸. به جا آوردن سجده شکر

با وجود آنکه "سجده شکر" خود یکی از تعقیبات است و با بحث کردن از تعقیبات، در واقع از آن هم بحث شده است، ولیکن به دلیل اهمیت آن، و تصریح ائمه معصوم^D به اینکه سجده شکر بخشی از نقص نماز را برطرف می‌کند، بحثی مستقل را به آن اختصاص می‌دهیم.

معنای سجده شکر و فلسفه آن

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ السَّجْدَةُ بَعِيدُ الْفَرِيضَةِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ الْعَبْدَ مِنْ آدَاءِ فَرِيضِهِ وَ أَدْنَى مَا يُجْزَى فِيهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يُقَالَ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قُلْتُ فَمَا مَعْنَى قَوْلِهِ شُكْرًا لِلَّهِ قَالَ يَقُولُ هَذِهِ السَّجْدَةُ مِنِّي شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى مَا

ص: ۷۵

۱- [۱]. آیه شهادت: آل عمران/۱۸؛ آیه الکرسی: بقره/۲۵۵؛ آیه ملک: آل عمران/۲۶.

وَفَقِنِي لَهُ مِنْ خِدْمَتِهِ وَ أَدَاءِ فَرَضِهِ وَ الشُّكْرِ مُوجِبٍ لِلزِّيَادَةِ فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ تَقْصِيرٌ لَمْ يَتِمَّ بِالنَّوَافِلِ تَمَّ بِهِذِهِ السَّجْدَةُ (۱).

امام رضا علیه السلام فرمودند: سجده بعد از هر نماز واجب لازم است تا بنده بتواند به این وسیله از خداوند عز و جل به خاطر توفیقی که به او داده، سپاسگزاری کند و در آن حداقل سه مرتبه "شکراً لله" بگوید. راوی گوید: به حضرت عرض کردم: "شکراً لله" به چه معناست و منظور از آن چیست؟ فرمودند: منظور این است که بنده می گوید: خدا را با این سجده، بر توفیق خدمت گزاریش و توفیق به جا آوردن دستورش سپاس می گویم. (سپس حضرت فرمودند): سپاسگزاری و شکر موجب فرونی می شود و اگر در نماز نقصان یا تقصیری باشد که با انجام نافله جبران نشده (نمی شود) با این سجده کامل می شود.

اهمیت و آثار سجده شکر

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تُتَمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَ تُرْضَى بِهَا رَبُّكَ وَ تَعْجِبُ الْمَلَائِكَةَ مِنْكَ وَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَتَحَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَ بَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى قُرْبَتِي وَ أَتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَاذَا لَهُ عِنْدِي قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمْتَهُ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ثُمَّ مَاذَا لَهُ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كَفَّيْنَاهُ مُهَمَّهُ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَاذَا فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لَأَشْكُرَنَّهُ

ص: ۷۶

كَمَا شَكَرْنِي وَ أَقْبَلْ إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَ أَرِيهِ رَحْمَتِي وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ نَحْوَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ وَ أَرِيهِ وَجْهِي (۱).

چون ترجمه روشن است، خلاصه آن آورده می شود: به فرموده امام صادق علیه السلام سجده شکر بر هر مسلمانی لازم است، نماز با آن کامل می شود، خداوند خشنود می گردد، فرشتگان شگفت زده می شوند و هنگام سجده شکر خداوند حجاب بین نماز گزار و فرشتگان را بر می دارد و به بنده اش در نزد فرشتگان مباحثات می کند و از فرشتگان می خواهد که پاداش چنین بنده ای را بیان کنند و وقتی فرشتگان، رحمت، جنت و برآورده شدن حاجات بنده را مطرح می کنند، باز هم خداوند طلب فزونی می کند و وقتی همه خوبی ها را مطرح می کنند باز هم بیش از آن مطالبه می کند و وقتی فرشتگان اظهار عجز می کنند، خودش می فرماید: از بنده ام تشکر می کنم همانگونه که از من تشکر کرد و با فضل خود به او رو می آورم و رحمت خود را به او می نمایانم.

ذکر سجده شکر (و استحباب طولانی بودن آن)

حداقل سه مرتبه "شکراً لله" است، ولی هر چه طولانی تر باشد، بهتر است. از حضرت رضا علیه السلام در سجده بعد از نماز، تا پانصد "سبحان الله" هم شنیده شده است و مکرر اتفاق افتاده که موسی بن جعفر علیه السلام بعد از نماز به سجده رفته اند و تا بالا آمدن روز همچنان در سجده بوده اند... (۲).

ص: ۷۷

۱- [۱]. همان، ص ۶.

۲- [۲]. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۷، ص ۱۰.

عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لِمَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا قَالَ لِكَثْرَةِ سُجُودِهِ عَلَيَّ الْأَرْضِ (١).

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چه چیز باعث شد که خداوند حضرت ابراهیم علیه السلام را خلیل خود کند؟ فرمودند: به خاطر اینکه بسیار بر زمین سجده می کرد.

عَنِ الْوَشَاءِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا يَقُولُ: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ سَاجِدٌ وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ. (٢)

از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمودند: نزدیک ترین حالت بنده به خداوند عز و جل حالت سجده است و سپس به آیه آخر سوره مبارکه علق استناد کردند.

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ قَالَ: سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِذَا نَامَ الْعَبْدُ وَهُوَ سَاجِدٌ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى عَبْدِي قَبَضْتُ رُوحَهُ وَهُوَ فِي طَاعَتِي. (٣)

وَشَاءَ مِي گويد: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمودند: هنگامی که بنده ای سجده می کند (و در اثر کثرت عبادت) در حال سجده به خواب می رود، خداوند متعال می فرماید: روح بنده ام را در حال عبادت و بندگی قبض نمودم.

وَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ فِي حَدِيثٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَّى سِتَّ رَكَعَاتٍ أَوْ ثَمَانَ رَكَعَاتٍ قَالَ وَ كَانَ مِقْدَارُ رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ ثَلَاثَ تَسْبِيحَاتٍ أَوْ أَكْثَرَ فَلَمَّا فَرَغَ سَجَدَ سَجْدَةً أَطَالَ فِيهَا حَتَّى بَلَ

ص: ٧٨

١- [١]. همان.

٢- [٢]. شیخ کلینی؛ کافی ج ٣، ص ٢٦٤.

٣- [٣]. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ٦، ص ٣٨٠.

عَرَفَهُ الْحَصِي قَالَ وَ ذَكَرَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ أَلْصَقَ خَدَّيْهِ بِأَرْضِ الْمَسْجِدِ (۱). ابن فضال می گوید: حضرت ابوالحسن علیه السلام را مشاهده نمودم که شش رکعت یا هشت رکعت نماز خواندند و در رکوع و سجده ای سه مرتبه یا بیشتر تسیح گفتند ولی پس از نماز سجده ای طولانی نمودند به گونه ای که عرق صورتشان سنگ های مسجد را مرطوب کرد و بعضی از اصحاب گفته اند که حضرت، گونه های مبارک خود را به زمین مسجد چسبانده بودند.

چند نکته از احکام سجده شکر

۱. بهتر است انسان دو مرتبه سجده کند، به این صورت که بعد از سجده اول گونه راست و بعد گونه چپ را به خاک بمالد و مجدداً سر بر خاک گذارد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَا مُوسَى أَتَدْرِي لِمَ اضْمَأْطَفْتِكَ بِكَلَامِي دُونَ خَلْقِي قَالَ يَا رَبِّ وَ لِمَ ذَاكَ قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي قَلَّبْتُ عِبَادِي ظَهراً لِيُطِنَ فَلَمْ أَجِدْ فِيهِمْ أَحِداً أَدَلَّ لِي نَفْساً مِنْكَ يَا مُوسَى إِنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ وَضَعْتَ خَدَّكَ عَلَى التُّرَابِ أَوْ قَالَ عَلَى الْأَرْضِ (۲).

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند عز و جل به حضرت موسی علیه السلام وحی نمود که: می دانی چرا در بین بندگان فقط با تو سخن می گویم؟ بدان جهت که بندگانم را زیر و رو کردم و دیدم هیچکس مثل تو در پیشگاه من ذلت و

ص: ۷۹

۱- [۱]. همان، ج ۷، ص ۹.

۲- [۲]. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۱۲۱.

افتادگی ندارد. ای موسی! تو چون نماز می گزاری گونه ات را بر خاک (یا بر زمین) می نهی.

۲. سجده شکر بعد از فریضه و نافله و بعد از تذکر هر نعمتی، مطلوب است.

عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: من سجد سجده الشكر لنعمة و هو متوضأ، كتب الله له بها عشر صلوات و محافاة عشر خطايا عظام: (۱) هر کس با وضو باشد و برای نعمتی سجده شکر به جای آورد، خداوند برای او ثواب ده نماز را می نویسد و ده گناه او را [از پرونده اش] محو می کند.

۳. آرنج را بر زمین گذاشتن و چسباندن سینه و شکم به زمین، در سجده شکر مستحب است (عکس آنچه در نماز انجام می شود).

۴. مستحب است انسان دست بر موضع سجده خود (پیشانی) بمالد و بعد به صورت (و سایر اعضای) خود بکشد.

عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ تَدْرِي يَا مُوسَى لِمَ انْتَجَبْتُكَ مِنْ خَلْقِي وَ اضِيَطَفْتُكَ لِكَلَامِي فَقَالَ لَا يَا رَبِّ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ إِنِّي أَطَّلَعْتُ إِلَى الْأَرْضِ فَلَمْ أَجِدْ عَلَيْهَا أَشَدَّ تَوَاضُعًا لِي مِنْكَ فَخَرَّ مُوسَى سَاجِدًا وَ عَفَّرَ خَدَيْهِ فِي التُّرَابِ تَذَلُّلاً مِنْهُ لِرَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ ارْفَعْ رَأْسَكَ يَا مُوسَى - وَ أَمْرٌ يَدُكَ عَلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ وَ امْسَحْ بِهَا وَجْهَكَ وَ مَا نَالَتَهُ مِنْ بَدَنِكَ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنْ كُلِّ سُقْمٍ وَ دَاءٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ. (۲)

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند به موسی بن عمران علیه السلام وحی فرمود: ای موسی! آیا می دانی چرا از میان آفریدگانم تو را برگزیدم و برای [شنیدن]

ص: ۸۰

۱- [۱]. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۷، ص ۵.

۲- [۲]. همان، ص ۱۴.

سخنم تو را انتخاب کردم؟ عرض کرد: نه، ای پروردگار! خداوند به او وحی فرمود: من به زمین نگریستم و در روی آن کسی را نیافتم که در برابر من متواضع تر از تو باشد. حضرت موسی **a** با شنیدن این سخن به سجده افتادند و گونه های خود را از روی ذلت و خواری در پیشگاه خداوند به خاک مالیدند. خدا به ایشان وحی کرد که: سرت را بلند کن موسی ۵ و دستت را بر جای سجده بکش و با آن صورت و قسمت های مختلف بدنت را لمس کن که امان از هر بیماری، درد و آفت و آسیبی است.

۸. اهتمام به نوافل

یکی دیگر از راه های کامل کردن نماز بلکه مهم ترین و مؤثرترین آنها، اهتمام به نوافل است. و این کار حاصل نمی شود مگر آنکه با اهمیت نافله ها بیشتر آشنا شویم.

اهمیت نوافل

امام خمینی ره در تحریرالوسیله می نویسد: يستحبّ قضاء النوافل الرواتب و یکره أكیداً ترکه إذا شغله عنها جمع الدنيا؛ و من عجز عن قضائها، استحَبَّ له التصدق بقدر طولها؛ و أدنى ذلك التصدق عن كل ركعتين بمدّ و إن لم يتمكّن، فعن كل أربع ركعات بمدّ و ان لم يتمكّن فمدّ لصلاة الليل و مدّ صلاة النهار(۱).

عن الفضیل قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله عزّ و جلّ: "الذين هم على صلاتهم يحافظون"، قال: هي الفريضة. قلت: "الذين هم على صلواتهم دائمون"، قال: هي

ص: ۸۱

۱- [۱]. امام خمینی؛ تحریرالوسیله؛ ج ۱، ص ۲۲۵، مسئله ۷.

النافله. شاید وجه اینکه کسانی که نوافل را به جا می آورند، "دائم الصلاة" خوانده شده اند، این باشد که نماز نافله متمم نماز واجب است و کسی که نافله می خواند، هر روز نمازش به طور کامل بالا می رود.

در روایات زیادی، "نوافل" متمم فریضه تلقی شده و گفته شده که خداوند نقصان نماز واجب را با نافله جبران می کند.

عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام في حديث قال: يا أبا محمد! إن العبد يرفع له ثلث صلواته و نصفها و ثلاثه اربعها و اقل و اكثر على قدر سهوه فيها، لكنّه يتمّ له من النوافل. قال: فقال له ابوبصير: ما أرى النوافل ينبغى أن تترك على حاله. فقال عليه السلام: اجل، لا(۱).

كل سهو في الصلوه يطرح منها غير أن الله يتمّ بالنوافل(۲): سهو در نماز موجب از بین رفتن بخشی از آن می شود. البته خداوند این نواقص را با نافله جبران می کند. در اینجا باید گفت: اگر قبولی نمازهای واجب به طور کامل منوط به نافله است و اگر پذیرش همه اعمال منوط به پذیرفته شدن نماز است، پس چرا سهل انگاری در نافله؟

گفتنی است در روایات بسیاری(۳)، قضای نوافل، مطلوب و مورد سفارش واقع شده است. یکی از آن روایات را ذکر می کنیم.

و عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن العبد يقوم فيصلّي النافله فيعجب الربّ ملائكته منه فيقول: يا ملائكتي! عبدى يقضى ما لم افترض عليه(۴).

ص: ۸۲

۱- [۱]. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۳۶۳.

۲- [۲]. همان، ص ۲۶۸.

۳- [۳]. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۴، ص ۷۵، باب ۱۸.

۴- [۴]. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۴۸۸.

امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی بنده ای مشغول نماز نافله می شود، خداوند در پیشگاه ملائکه، اظهار شگفتی و مباحات می کند و می گوید: بنده ام مشغول کاری است که بر او واجب نکرده ام.

ص: ۸۳

برای تحقق نمازی که مورد پذیرش خداوند متعال و تأمین کننده سعادت باشد، باید موانع قبول نماز را هم برطرف کرد. چرا که ممکن است انسان زحمت زیادی متحمل شود و عبادت را به خوبی انجام دهد ولیکن به علت عدم مراقبت از آن، به مطلوب نرسد و همه زحماتش هدر رود؛ بنابراین همانگونه که دقت در انجام عمل مهم است، مراقبت های بعدی هم لازم است که در ادامه به بیان بعضی از موانع قبولی نماز می پردازیم.

برخی از موانع قبولی نماز

۱. نداشتن حضور قلب (که بحث از آن گذشت).

۲. عاق والدین و ناراحت کردن ایشان

قال ابو عبد الله عليه السلام: من نظر إلى ابويه نظر ماقب و هما ظالمان له، لم يقبل الله له صلوة (۱).

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر که به پدر و مادر خود، گرچه به وی ستم کرده باشند، با نگاه دشمنانه بنگرد، خداوند از او نمازی را نمی پذیرد.

ص: ۸۵

۱- [۱]. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۳۴۹.

قال ابو عبدالله عليه السلام : من العقوق أن ينظر الرجل إلى والديه فيحد النظر إليهما(۱).

امام صادق عليه السلام فرمودند : و از جمله نافرمانی از والدین، آن است که انسان به آنان خیره نگاه کند.

قال ابو جعفر عليه السلام : إن أبي نظر إلى رجل و معه ابنة يمشى و الابن متكئ على ذراع الأب. قال عليه السلام : فما كلمه أبي عليه السلام مقتا له حتى فارق الدنيا(۲).

امام باقر عليه السلام فرمودند: پدرم مردی را دید که با پسرش راه می رفت و پسر به دست پدرش تکیه داده بود. پدرم علیه السلام از آن پسر چندان ناراحت شد که تا زنده بود با او سخن نگفت.

۳. غیبت

من اغتاب مسلماً أو مسلمه، لم يقبل الله صلاته و لا صيامه اربعين يوماً و ليله إلا أن يغفر له صاحبه(۳).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر که از مردی مسلمان یا زنی مسلمان غیبت کند، خداوند متعال تا چهل شبانه روز، نه نماز او را می پذیرد و نه روزه اش را، مگر اینکه غیبت شونده او را ببخشد.

معنای غیبت:

قال ابو عبدالله عليه السلام : الغيبه أن تقول في أخيك ما هو فيه ممّا قدستره الله عليه. فأما إذا قلت ما ليس فيه، فذلك قول الله: فقد احتمل بهتاناً و اثماً مبيناً(۴).

ص: ۸۶

۱- [۱]. همان، ص ۳۴۹، باب العقوق.

۲- [۲]. همان؛ ص ۳۴۸.

۳- [۳]. مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۲ ص ۲۵۸.

۴- [۴]. همان؛ ص ۲۲۰. پایان روایت به آیه ۱۱۲ سوره مبارکه نساء اشاره نموده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: غیبت آن است که درباره برادرت چیزی بگویی که در او هست، اما خداوند آن را پوشانده است؛ اما اگر چیزی بگویی که در او نیست، این مشمول این سخن خداوند است که: "هر آینه بهتان یا گناهی آشکار به دوش کشید".

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: غیبت آن است که از برادرت چیزی بگویی که خوش ندارد.

شنیدن غیبت:

امام علی علیه السلام فرمودند: "السامع للغیبه کالمغتاب": شنونده غیبت، مانند غیبت کننده است.

نظر امیرالمؤمنین علیه السلام إلى رجل یغتاب رجلاً عند الحسن ابنه فقال: یا بنی نزه سمعک عن مثل هذا؛ فإنه نظر إلى أخبث ما فی وعائه فأفرغه فی وعائک(۱).

امام علی علیه السلام وقتی ملاحظه کرد که شخصی در حضور فرزند بزرگوارش حسن علیه السلام از کسی غیبت می کند فرمود: فرزندم! گوش خود را از چنین کسی به دور دار؛ زیرا او به پلیدترین چیزهایی که در ظرف خود دارد نگریسته و آنها را در ظرف تو خالی کرده است.

اثر غیبت:

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: الغیبه اسرع فی دین الرجل المسلم من الأکله فی جوفه(۲).

ص: ۸۷

۱- [۱]. همان، ص ۲۵۹.

۲- [۲]. کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۳۵۷.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: غیبت کردن در [نابودی] دین مرد، زودتر کارگر می افتد تا بیماری خوره در اندرون او.

يُؤْتِي بِأَحَدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَيُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابَهُ فَلَا يَرَى حَسَنَاتِهِ يَقُولُ: إِلَهِي! لَيْسَ هَذَا كِتَابِي! فَإِنِّي لَا أَرَى فِيهَا طَاعَتِي! يَقَالُ لَهُ: إِنَّ رِيكَ لَا يَضِلُّ وَلَا يَنْسَى، ذَهَبَ عَمَلُكَ بِاِغْتِيَابِ النَّاسِ، ثُمَّ يُؤْتِي بآخر و يدفع إليه كتابه فيرى فيها طاعاتٍ كثيرةً فيقول: إِلَهِي! مَا هَذَا كِتَابِي؟ فَإِنِّي مَاعَمَلْتُ هَذِهِ الطَّاعَاتِ! يَقَالُ لَهُ: لِأَنَّ فُلَانًا اغْتَابَكَ فَدَفَعْتَ حَسَنَاتِهِ إِلَيْكَ (١).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: روز قیامت فردی را می آورند و او را در پیشگاه خدا نگاه می دارند و کار نامه اش را به او می دهند، اما حسنات خود را در آن نمی بیند. عرض می کند: الهی! این کار نامه من نیست! زیرا من در آن طاعات خود را نمی بینم! به او گفته می شود: پروردگار تو نه خطا می کند و نه فراموش. عمل تو به سبب غیبت کردن از مردم بر باد رفت. سپس مرد دیگری را می آورند و کار نامه اش را به او می دهند. در آن طاعت بسیاری را مشاهده می کند. عرض می کند: الهی! این کار نامه من نیست! زیرا من این طاعات را به جا نیاورده ام! گفته می شود: فلانی از تو غیبت کرد و من حسنات او را به تو دادم.

امام علی علیه السلام فرمودند: إِيَّاكَ وَالْغَيْبَةَ؛ فَإِنَّهَا تُمَقِّتُكَ إِلَى اللَّهِ وَالنَّاسِ وَتَحْبِطُ أَجْرَكَ (٢): از غیبت کردن پرهیز؛ که این کار، تو را نزد خدا و مردم مبعوض می سازد و پاداشت را بر باد می دهد.

ص: ٨٨

١- [١]. مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ٨١، ص ٢٤٢.

٢- [٢]. آمری؛ تصنیف غرر الحکم؛ ص ٢١.

۴. بی توجهی نسبت به محرومان

امام صادق علیه السلام فرمود: نماز کسانی که نسبت به آوارگان و برهنگان جامعه بی توجه اند، قبول نیست (۱).

۵. حرام خواری

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الصلوه مع أكل الحرام كالبناء على الرمل (۲).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: عبادت توأم با حرام خواری، چون ساختمانی است بر روی شن.

۶. بد خواهی برای مسلمانان

ابوعبدالله علیه السلام: لا يقبل الله من مؤمن عملاً و هو مضمّر على اخيه سوءاً (۳).

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند از مؤمنی که نسبت به برادر مؤمن خود نیت بد داشته باشد، هیچ عملی را نمی پذیرد.

۷. قطع رابطه با برادر دینی.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: يا اباذر! إياك و هجران اخيك، فإنّ العمل لا يتقبل مع الهجران (۴).

ص: ۸۹

۱- [۱]. مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۸۴، ص ۲۴۲.

۲- [۲]. همان؛ ص ۲۵۸.

۳- [۳]. کلینی؛ کافی؛ ج ۲، ص ۳۶۱.

۴- [۴]. رضی الدین طبرسی؛ مکارم الاخلاق؛ ص ۴۷۰.

مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صِلَاتَهَا وَلَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا - حَتَّى تُعِينَهُ وَ تُرَضِّيَهُ وَ إِنْ صَامَتِ الدَّهْرَ - وَ قَامَتْ وَ أَعْتَقَتْ الرِّقَابَ وَ أَنْفَقَتْ الأَمْوَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَانَتْ أَوَّلَ مَنْ يَرِدُ النَّارَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله - وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرِ وَ الْعَذَابِ - إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِيًا ظَالِمًا (۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هر گاه زنی شوهرش را آزار دهد، اگر تمام عمرش را روزه بگیرد و شب ها به عبادت پردازد و بنده ها آزاد کند و مال ها در راه خدا انفاق نماید، خداوند هیچ نماز و کار نیکی را از او نپذیرد تا آنگاه که شوهرش را کمک و از خود راضی کند و گر نه آن زن نخستین کسی است که به دوزخ می رود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپس فرمود: مرد نیز اگر در حق همسر خود آزار و ستم روا دارد، چنین گناه و عذابی خواهد داشت.

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ ثَمَانِيَةَ لَا يُقْبَلُ مِنْهُمْ الصَّلَاةُ ... وَ النَّاشِئُ وَ زَوْجُهَا عَلَيْهَا سَاخِطٌ (۲).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هشت نفرند که نمازشان پذیرفته نمی شود: ... زن نافرمانی که شوهرش از او ناراضی است.

۹. سبک شمردن نماز

وَاللَّهُ إِنَّهُ لِيَأْتِي عَلَى الرَّجُلِ خَمْسُونَ سَنَةً وَ مَاقِبِلَ اللَّهِ مِنْهُ صَلَوَةٌ وَاحِدَةٌ. فَأَيُّ شَيْءٍ أَشَدَّ مِنْ هَذَا؟! وَ اللَّهُ أَنْكُمْ لَتَعْرِفُونَ مِنْ جِيرَانِكُمْ وَ اصْحَابِكُمْ مَنْ لَوْ كَانَ يَصَلِّي لِبَعْضِكُمْ،

ص: ۹۰

۱- [۱]. مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۳، ص ۳۶۳.

۲- [۲]. همان؛ ج ۸۱، ص ۱۸۳.

ماقبلها منه لاستخفافه بها. إن الله عز و جل لا يقبل إلا الحسن، فكيف يقبل ما يستخف به؟! (۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم، [گاه] انسان پنجاه سال عمر می کند و خداوند حتی یک نماز از او نمی پذیرد و چه چیزی بدتر از این؟! به خدا قسم، شما از همسایگان و یاران خود کسانی را می شناسید که اگر [به فرض] برای یکی از شما نماز می خواندند، چون آن را سبک به جا می آورند، از آنان نمی پذیرفت. حال خداوند عز و جل جز "خوب" نمی پذیرد، چگونه چیزی را که سبک شمرده شده است، پذیرد؟!

۱۰. شرب خمر

فقال ابو عبد الله عليه السلام : لا تقبل صلوة شارب المسكر أربعين يوماً إلا أن يتوب (۲).

امام صادق علیه السلام فرمودند: نماز کسی که مُسکر می نوشد، تا چهل روز پذیرفته نمی شود، مگر اینکه توبه کند.

۱۱. ندادن زکات.

۱۲. و امامت نماز جماعت برای افرادی که انسان را نمی خواهند

يا عَلِيُّ تَمَانِيَهُ لَا يُقْبَلُ مِنْهُمْ الصَّلَاةُ ... وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ ... وَ إِمَامٌ قَوْمٍ يُصَلِّي بِهِمْ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ ... (۳)

ص: ۹۱

۱- [۱]. کلینی؛ کافی؛ ج ۳، ص ۲۶۹.

۲- [۲]. مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۶۳، ص ۴۸۸.

۳- [۳]. همان؛ ج ۸۱، ص ۱۸۳.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هشت نفرند که نمازشان پذیرفته نمی شود: ... و کسی که زکات نمی دهد... و پیشوای قومی که با آنان نماز بخواند، در حالی که از او ناراضی هستند. (۱)

گفتنی است ایمان، ولایت و تقوا شرط اساسی قبولی عمل است که مفروغ عنه گرفته شد. در ادامه آیه و احادیثی در این باره خواهد آمد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: "و من یکفر بالایمان، فقط حَبَطَ عمله" (۲): و هر کس به ایمان و اعتقاد کفر ورزد، قطعاً عملش تباه و بی اثر می شود و می فرماید: "إنما يتقبل الله من المتقين" (۳): خدا فقط از پرهیزکاران می پذیرد.

و قال الباقر علیه السلام: من دان الله عزوجل بعباده یجهد فیها نفسه و لا امام له من الله، فسعیه غیر مقبول و هو ضال متحیر و الله شانی لأعماله. (۴)

امام باقر علیه السلام فرمودند: هر که خود را در عبادت خداوند عزوجل به رنج و زحمت افکنند، اما [برای خود] امامی از جانب خدا نداشته باشد، کوشش او

ص: ۹۲

۱- [۱]. روایت کامل: عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: "يَا عَلِيُّ تَمَانِيَهُ لَا يُقْبَلُ مِنْهُمْ الصَّلَاةُ الْعَبِيدُ الْأَبْقَى حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَوْلِيهِ وَ النَّاشِزُ وَ زَوْجَهَا عَلَيْهَا سَاخِطٌ وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ وَ تَارِكُ الْوُضُوءِ وَ الْجَارِيَةُ الْمُدْرِكَةُ تُصَلِّي بِغَيْرِ حِمَارٍ وَ إِمَامٌ قَوْمٍ يُصَلِّي بِهِمْ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ وَ السُّكْرَانُ وَ الزَّبَّانُ": هشت نفرند که نمازشان پذیرفته نمی شود؛ عبد فراری تا زمانی که نزد مولای خود برگردد و زن نافرمانی که شوهرش از او ناراضی است و کسی که زکات نمی دهد، و کسی که وضو نمی گیرد، و دختر بالغی که بدون روسری نماز بخواند، و پیشوای قومی که با آنان نماز بخواند، در حالی که از او ناراضی هستند، و آدم مست، و کسی که بول و غائط خود را به زور نگه دارد.

۲- [۲]. مائده: ۵.

۳- [۳]. مائده: ۲۷.

۴- [۴]. شیخ کلینی؛ کافی؛ ج ۱، ص ۱۸۳.

پذیرفته نمی شود. چنین شخصی گمراه و سرگردان است و اعمالش مورد نفرت خداوند است.

اللَّهُمَّ لَا تَسْلُبْنَا مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ وِلَايَتِكَ

و وِلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَام

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

ص: ۹۳

— ابن بابویه، محمد بن علی _ غفاری، محمد جواد، _ من لا يحضره الفقيه / ترجمه غفاری، علی اکبر و محمد جواد و بلاغی، صدر، ۶جلد، نشر صدوق _ تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۷ش.

— ابن بابویه، محمد بن علی، _ الأمالی _ (للصدوق)، ۱جلد، کتابچی _ تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۶ش.

— ابن بابویه، محمد بن علی، _ عیون أخبار الرضا _ علیه السلام، ۲جلد، نشر جهان _ تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۸ق.

— ابن بابویه، محمد بن علی _ آقا نجفی اصفهانی، محمد تقی، _ عیون أخبار الرضا _ علیه السلام، ترجمه آقا نجفی، ۲جلد، انتشارات علمیه اسلامیة _ تهران، چاپ: اول، بی تا.

— ابن بابویه، محمد بن علی، _ التوحید _ (للصدوق)، ۱جلد، جامعه مدرسین _ ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۹۸ق.

— ابن بابویه، محمد بن علی _ ذهنی تهرانی، محمد جواد، _ علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ۲جلد، انتشارات مؤمنین _ ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۸۰ش.

— بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ۵ جلد، مؤسسه بعثه قم، چاپ: اول، ۱۳۷۴ ش.

— تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، (مجموعه من کلمات و حکم الإمام علی ۱، ۱ جلد، دار الكتاب الإسلامی قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۰ ق.

— تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ۱ جلد، دفتر تبلیغات — ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۶۶ ش.

— خمینی، سید روح الله موسوی، توضیح المسائل — (محشی — امام خمینی)، ۲ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم — ایران، هشتم، ۱۴۲۴ ه ق.

— شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت علیه السلام — قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.

— شیخ بهایی، محمد بن حسین، مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله من الواجبات و المستحبات — (ط — القدیمه)، ۱ جلد، نشر دار الأضواء — بیروت، چاپ: اول، ۱۴۰۵ ق.

— شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه — (کلیات حدیث قدسی)، ۱ جلد، انتشارات دهقان — تهران، چاپ: سوم، ۱۳۸۰ ش.

— طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ۱ جلد، شریف رضی — قم، چاپ: چهارم، ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش.

— علی بن الحسین علیه السلام، امام چهارم — فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، — الصحیفه السجادیه —، ترجمه و شرح فیض الإسلام، ۱جلد، فقیه — تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۶ش.

— قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، — تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب —، ۱۴جلد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات — تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۸ش.

— کلینی، محمد بن یعقوب — مصطفوی، سید جواد، — أصول الکافی، — ترجمه مصطفوی، ۴جلد، کتاب فروشی علمیه اسلامیة — تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۹ش.

— کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، — الکافی — (ط — الإسلامیه)، ۸جلد، دار الکتب الإسلامیه — تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ق.

— کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، — الکافی — (ط — دارالحديث)، ۱۵جلد، دار الحديث — قم، چاپ: اول، ق ۱۴۲۹.

— مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، — بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار — (ط — بیروت)، ۱۱۱جلد، دار إحياء التراث العربی — بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ق.

— مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، — شرح فروع الکافی — (لمولی محمد هادی بن محمد صالح المازندرانی)، ۵جلد، دارالحديث للطباعه و النشر — قم، چاپ: اول، ۱۴۲۹ق.

ـ مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، ـ مرآه العقول فى شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ جلد، دار الكتب الإسلاميه ـ تهران، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.

ـ نورى، حسين بن محمد تقى، ـ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۲۸ جلد، مؤسسه آل البيت عليه السلام ـ قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸ ق.

ـ يزدى، سيد محمد كاظم طباطبايى، ـ العروه الوثقى (للسيد اليزدى)، ۲ جلد، مؤسسه الأعلمى للمطبوعات، بيروت ـ لبنان، دوم، ۱۴۰۹ ه ق

ص: ۹۸

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

